

Daniel Strong in the Lord Index and Lesson Overviews

دانیال قوی در خداوند

شش درس از کتاب دانیال
این دروس به بچه ها کمک می کند تا در تقلا های زندگی شان از خدا اطاعت کنند

محتوا

داخل جلد جلو
داخل جلد جلو

چطور می توان یک بچه را به سوی مسیح هدایت کرد
چطور می توان یک بچه را به سوی تقدیس شدن هدایت کرد

- درس ۱ - چهار مرد جوان آزمایش می شوند
- درس ۲ - دانیال برای دریافت حکمت دعا می کند
- درس ۳ - تنور آتشین
- درس ۴ - لغزش متکبران ی نبوکدنصر
- درس ۵ - نوشته روی دیوار
- درس ۶ - دانیال در قفس شیرها

کپی اصلی آیه های حفظی

چشم انداز درس

متن کتاب مقدس	دانیال ۱
"آیه حفظی	افسسیان ۶ : ۱۰ " ... در خداوند و در توانایی قوت او زور آور شوید
هدف تعلیم	بچه نجات یافته تمایل خواهد داشت با فرار کردن از چیزهایی که به بدن اش ضرر خواهد رساند، زندگی اش را پاک نگه دارد
تعلیم اصلی	خدا می خواهد که زندگی تان را پاک نگه دارید
تاکید برای نجات نیافتگان	آیا تا به حال به عیسی خداوند برای دریافت زندگی جاودانی ایمان آورده اید؟
کمکهای تصویری	تصاویر ۶ - ۱ - ۱

خطوط اصلی درس

۱ - مقدمه

آیا شما دوستانی دارید که مشروبات الکلی می نوشند، مواد مخدر مصرف می کنند یا به مجله های مبتذل نگاه می کنند؟ کتاب مقدس درباره چهار مرد جوان می گوید که انتظار می رفت کاری انجام دهند که موجب ناخشنودی خداوند می شد

۲ - پیشرفت وقایع

(الف) - نبوکدنصر پادشاه سربازان را فرستاد تا اورشلیم را سرنگون کنند. (۱ : ۱ - ۲

ب - پادشاه به فرمانده هان اش دستور داد تا مردان سالم جوان باهوش را از خانواده های سلطنتی به بابل بیاورند

(۱ - ۳ - ۴)

پ - این مردان جوان با استعداد می باید از غذاهای پادشاه و آموزشهای مخصوص دریافت می کرد. (۱ : ۴ - ۵

(۱ : ۶ - ۷) جوانان عبرانی اسامی جدید دریافت کردند.



(۱ : ۸) انیال تصمیم گرفت که خود را با خوردن غذاهای پادشاه آلوده نکند.

(ج - دانیال از رئیس افسران درخواست اجازه کرد تا از غذاهای پادشاه نخورد. (۱ : ۸

(چ - رئیس افسران از ترس جان اش درخواست دانیال را نپذیرفت. (۱ : ۹ - ۱۰

(ح - دانیال به نزد نگهبان رفت و درخواست یک آزمایش ده روزه را کرد، در این ده روز دانیال تنها (سبزیجات و آب می خورد. (۱ : ۱۱ - ۱۳



(۱ : ۱۴) چهار مرد جوان برای ده روز مورد آزمایش قرار گرفتند.

(د - آنها آزمایش ده روزه را پشت سر گذاشتند و اجازه یافتند تا برای سه سال رژیم غذایی شان را ادامه دهند.

(۱ : ۱۵ - ۱۶)

ذ - خدا به آنها دانش، مهارت و حکمت در یاد گیری داد. (۱ : ۱۷)

ر - آنگاه پادشاه آنها را آزمایش کرد، حکمت آنها بالاتر از دیگران بود. (۱ : ۱۸ - ۲۰)

۳ - **نقطه اوج داستان**

خدا به دانیال و دوستان اش احترام گذاشت زیرا آنها انتخاب کردند که زندگی شان را پاک نگه دارند

۴ - **نتیجه**

پادشاه به دانیال و دوستان اش مقامهای مهمی در پادشاهی داد، و آنها با وفاداری به خدمت کردن به پادشاه در

(بابل ادامه دادند. (۱ : ۱۹ - ۲۱)

(تقلا) **بچه نجات یافته**

ما زندگی تان را برای خدا پاک نگه خواهید داشت؟ (افسسیان ۶ : ۱۰)

(دعوت) **بچه نجات نیافته**

به حال به عیسی خداوند برای دریافت زندگی جاودانی اعتماد کرده اید؟ (یوحنا ۶ : ۴۷)



تعلیم آیه حفظی

"افسیان ۶: ۱۰ در خداوند و در توانایی قدرت او زور آور شوید

مقدمه:

قوی ترین کسی که شما می شناسید کیست؟ (اجازه دهید بچه ها پاسخ دهند.) فکر می کنید قوی ترین کسی که وجود دارد کیست؟ (برای جواب مکت کنید.) بله خدا قوی رین است- و او به شما قوت می دهد. در واقع در آیه حفظی امروز ما، خدا می گوید که در قوت او قوی باشید

معرفی:

کتاب مقدس تان را نشان دهید، با این توضیح که آن کلام خداست. آیه را (از روی کتاب مقدس تان بخوانید و توضیح دهید که آن را چگونه پیدا کرده) .اید. اجازه دهید بچه ها آیه را برای شما از روی آیه نمایشی بخوانند

توضیح:

در خداوند زور آور شوید- شما می توانید قوی باشید و در خداوند قوت داشته باشید زیرا او از هر چیزی و هی کس دیگری قوی تر است و در توانایی قدرت او زور آور شوید- خدا قادر مطلق است. به خاطر قدرتی که خدا دارد، او می تواند به شما قوت و قدرت بدهد

کاربرد:

نجات یافتگان: اگر شما به عیسی خداوند ایمان آورده اید، خدا به شما قدرت و قوت می دهد تا کار درست را انجام دهید. خدا می خواهد شما از چیزهایی که به بدن و فکرتان آسیب می رساند دوری کنید. او می تواند به شما قوت دهد تا این کار را انجام دهید

نجات نیافتگان: قوت خدا برای کسانی است که به پسرش، عیسی خداوند ایمان آورده اند. آیا تا کنون به او به عنوان نجات دهنده تان از گناه ایمان آورده اید؟ او می خواهد تا به شما زندگی جاوید بدهد تا شما روزی بتوانید در آسمان برای همیشه زندگی کنید. در ادامه کلاس وقتی که ما بیشتر درباره این موضوع صحبت می کنیم گوش کنید

تکرار: در خداوند قوی باشید

هشت تکه کاغذ بردارید، روی هر یک تکه، زمانی را بنویسید که بچه ها نیاز دارند که در خداوند قوی باشند. برای مثال: ما به قوت نیاز داریم وقتی دیگران از ما می خواهند که کاری اشتباهی انجام دهیم بگوئیم، نه. مثال های دیگری می تواند از قرار زیر باشد. بگوئیم نه وقتی که تنها هستیم و سوسه مس شویم تا کنه کنیم. از مکان هایی دور شویم که خدا نمی خواهد آنجا برویم و تنها فیلمی را انتخاب کنیم که خدا می خواهد ماتماشای ما کنیم. تکه های کاغذ را در یک کیف قرار دهید. یکی از بچه ها را انتخاب کنید

تا یک کاغذ را بیرون بیاورد و بخواند. بعد از این که او نوشته روی کاغذ را خواند بچه دیگر آیه را بگوید. آن وقت او می تواند بچه دیگری را انتخاب کند تا تکه کاغذ را از درون کیف بیرون بیاورد و بازی را ادامه دهد.)

درس مقدمه

آیا شما دوستانی دارید که مشروبات الکلی می نوشند، مواد مخدر مصرف می کنند یا به مجله های مبتذل نگاه می کنند؟ آیا دوستان شما توقع دارند که شما نیز این کارها را انجام دهید؟ اگر شما عیسی خداوند را به عنوان نجات دهنده تان می شناسید، خدا می خواهد شما زندگی تان را پاک نگه دارید. اما با گفتن نه به دوستانان سخت است، اینطور نیست؟ کتاب مقدس درباره چهار مرد جوان صحبت می کند که توقع می رفت آنها نیز کاری انجام دهند که موجب ناخشنودی خداوند می شود. آیا آنها قادر بودند که زندگی هایشان را پاک نگه دارند؟

پیشرفت وقایع

این مردان جوان سال ها پیش زندگی می کردند، خدا قوم ایشان، یهودیان را به سرزمین یخودا آورده بود. او به آنها وعده داده بود که ایشان می توانستند در این سرزمین تا وقتی زندگی کنند که از خدا اطاعت نمایند. برای مدتی یهودیان از خدا اطاعت کردند ولی بعداً آنها از پادشاهان شریک اطاعت کردند و از خدا رو برگرداندند. نهایتاً خدا ارمیا را که یک پیامبر بود فرستاد. ارمیا درباره پیغام خدا با آنها صحبت می کرد. ارمیا به یهودیان هشدار داد که به خاطر گناه ایشان خدا می خواست اجازه دهد تا دشمنان ایشان بیایند و سرزمین شان را اشغال کنند. ارمیا گفت: " پادشاه بابل به یهودا خواهد آمد. او شهر هایتان را نابود خواهد کرد و شما را " به عنوان اسیر به کشورش خواهد برد

حالا بعد از سال های زیادی، هشدارهای خدا به واقعیت پیوسته بود. نبوکد نصر پادشاه بابل سربازان اش را فرستاد تا شهر اورشلیم را تصاحب کند. سربازان وسایلی را از هیکل (محل عبادت یهودیان) برداشتند و به کشورشان بردند. این وسایل برای پرستش خدای واحد زنده و حقیقی به کار می رفت. پادشاه نبوکد مصر این وسایل را در هیکل خودش گذاشت تا از آنها برای پرستش خدایان دروغین استفاده کند. پادشاه همچنین به فرماندهان اش دستور داد تا مردان جوان قوی، سالم و با هوش از خانواده های سلطنتی را نیز اسیر کنند و به بابل بیاورند. آنها می بایست غذا و شراب پادشاه را می خوردند و مورد آموزش زبان ها و ادبیات امپراطوری قرار می گرفتند. بعد از سه سال بهترین ها انتخاب می شدند تا پادشاه را خدمت کنند.

تصویر ۱- ۱ از کتاب تصاویر

در بین این اسرا چهار مرد جوان وجود داشتند. احتمالاً آنها

برای دستیابی به پیش زمینه ی نبوت ارمیا، کتاب ارمیا ۶: ۲۲-۲۵، ۷: ۱-۱۷، ۱۳-۱۵، ۱۳: ۱۷، ۱۹، ۲۵: ۹، ۱۱ را مطالعه کنید.

اجازه دهید که بچه ها اسمها را به همراه شما تلفظ کنند. این کار به بچه ها در یادگیری کمک می کند. اجازه دهید بچه ها بابل و یهودا را بر روی نقشه مشخص کنند. شهر بابل در ایران امروز وجود دارد. امپراطوری بابل از خلیج فارس به رودخانه ی نیل در مصر و به مناطق جنوبی ترکیه گسترش می یافت. بچه ها از مشخص کردن مکانها بر روی نقشه در یادگیری سود خواهند برد.

پانزده یا شانزده ساله بودند. اسامی اسشان دانیال، حننیا، میشائیل و عزریا بود. خانواده های ایشان می بایست خدای زنده و حقیقی را می شناختند و او را دوست می داشتند، زیرا هر کدام از اسامی اسشان معانی خاصی درباره خدا داشت.

اسم دانیال به این معناست "خدا داور من است"، حننیا به این معناست "خداوند بخشنده است"، میشائیل به این معناست "چه کسی مثل خدا است؟" و عزریا به این معناست "خداوند کمک کرده است".

نگهبانان اسرا را از میان یکی از دروازه های عظیم که در حصارهای دو جداره ای شهر را احاطه می کرد، به درون بابل هدایت کردند. پشت دیوارها ساختمانهای بلندی قرار داشت. هیکل خدایان بابل نیز در میان این ساختمان ها بود. خیکل با تصاویر رنگی شیرها، گاوان نر و اژدها زینت داده شده بود. مردان جوان می بایست در این شهر عجیب احساس می کردند که از خانواده ها و دوستان شان بسیار دورند. خانواده ها و دوستانی که خدای زنده و حقیقی را می شناختند و او را دوست می داشتند

تصویر ۲- ۱ از کتاب تصاویر

آنها اشفناز رییس خواجه سرایان را ملاقات کردند. اولین کاری که اشفناز کرد این بود که به ایشان اسمی جدیدی داد. او دانیال را به بلطشصر و حننیا را به شدرک و میشائیل را به میشک و عزریا را به عبد نغو مسمی ساخت. اسامی جدید ایشان در رابطه با خدایان دروغین بابل بود. شما فکر می کنید که چرا اشفناز به آنها اسامی جدیدی داد؟

اجازه دهید بچه ها پاسخ دهند. او می خواست که آنها خدایشان را فراموش کنند! اما این مردان جوان خدا را دوست داشتند و می دانستند هر چند که از وطن دور هستند، اما خدا می داند که آنها کجا هستند، خدا همه چیز را درباره وضعیت شان می دانست!

خدا همه چیز را درباره شما می داند. او شما را آفریده است. چون خدا همه چیز را می داند، او حتی درباره گناه شما نیز می داند. گناه چیزهای بدی است که شما انجام می دهید، می گوئید یا فکر می کنید که مخالف احکام خدا است. همه با این آگاهی به دنیا آمده اند که چطور گناه کنند. کتاب مقدس می گوید، "همه گناه کرده اند" (رومان ۳: ۲۳). خودخواه بودن، اطاعت نکردن از والدین یا نقشه کشیدن برای انتقام گیری از شخصی چیزهایی هستند که ممکن است شما انجام دهید که گناه هستند.

آیا شما می توانید در مورد چیزهای دیگری فکر کنید که گناه هستند؟ (اجازه دهید که بچه ها پاسخ دهند). خدا از گناه متنفر است زیرا او مقدس، بدون گناه و پاک است. خدا می گوید که شما مستحق هستید که به خاطر گناه مجازات شوید. این مجازات جدایی ابدی از او در یک مکان بسیار بد تاریک است. اما محبت خدا به شما بسیار بزرگ است. محبت خدا بزرگ تر از گناه است! کتاب مقدس می گوید: "زیرا خدا جهان را این قدر محبت نمود" (یوحنا ۳: ۱۶). هر چند که شما شایسته نیستید ولی خدا به خاطر محبت عظیم اش راهی ساخت تا گناه شما بخشیده شود.



از آنجا که این درس بر رشد مسیحی متمرکز می باشد، پیغام نجات خلاصه شده است. شما می توانید در زمان دیگری از ساعت کلاس بر تدریس انجیل تاکید نمایید.

او تنها پسرش، عیسی خداوند را به جهان فرستاد و او را به خاطر گناه شما مجازات کرد. عیسی با رغبت اجازه داد که انسان ها دست ها و پاهایش را به صلیب میخکوب کنند، روی صلیب خون عیسی ریخت و او برای گناه شما مرد. کتاب مقدس می گوید که عیسی خداوند " ما را محبت نمود و ما (را از گناهان ما به خون خود شست. " (مکاشفه ۱ : ۵)

چون که عیسی خداوند بدون گناه است، خون او تنها بهای پرداخت شده برای گناه است که خدا خواهد پذیرفت. بعد از این که عیسی برای شما مرد او در یک قبر دفن شد، اما سه روز بعد او توسط قدرت خدا از مردگان زنده شد. امروز او در آسمان زنده است. شما می توانید به او به عنوان نجات دهنده تان ایمان بیاورید و روزی زندگی ابدی در آسمان داشته باشید. او گناه شما را خواهد بخشید و زندگی شما را عوض خواهد کرد. این همان کاری است که خدا می خواهد برای شما انجام دهد زیرا او شما را دوست دارد همه چیز را درباره گناه شما می داند.

خدا همه چیز را درباره این چهار مرد جوان می دانست. او همه چیز را درباره وضعیتین شان می دانست هر چند که آنها از خانه دور بودند. اشفناز به آنها اسامی جدیدی داد، اما آنها هرگز خدای زنده و حقیقی را که می شناختند و او را دوست می داشتند فراموش نمی کردند.

تصویر ۳- ۱

در وقت غذا دانیال و سه دوست او نشستند مادامیکه خدمتکاران دیس های غذا و پارچ های شراب میز پادشاه را آوردند. م م م! غذا باید برای اسرای گرسنه خیلی خوشبو بود! اما چهار مرد می بایست با نگرانی به یکدیگر نگاه کرده باشند. خدا به یهودیان احکام خاصی درباره غذا داده بود. آنها می بایست از بعضی از غذاها که احتمالاً در دیس ها بودند دوری می کردند. و همچنین آنها می دانستند که رسمی در بابل بود بر این مبنی که پیش از خوردن، گوشت و شراب به بت ها تقدیم می شد. خوردن این غذاها خدای زنده و حقیقی را جلال نمی داد. کتاب مقدس می گوید که دانیال مصمم بود با خوردن غذای پادشاه خود را آلوده نکند. آلوده کردن به معنی کثیف کردن یا ناپاک کردن است. دانیال و دوستان اش می خواستند که زندگی شان را در برابر خدا پاک نگه دارند.

لاویان ۱۱: ۴۱-۴۷، ۱۷: ۱۰-۱۴ را ببینید. بابلی ها به نحو موثری خود لاشه را در هنگام تهیه گوشت نمی ریختند. تننیه ۳۲: ۳۷-۳۸ به عمل بت پرستان در تقدیم غذا به بتها اشاره می نماید.

گر شما به عیسی خداوند به عنوان نجات دهنده تان ایمان دارید، خدا می خواهد که شما زندگی خویش را پاک نگه دارید. از شما احتمالاً خواسته نمی شود که غذایی را بخورید که به بت ها تقدیم شده است، اما راه های دیگری وجود دارد که می تواند زندگی شما ناپاک و کثیف شود. ممکن است وقتی که والدین دوستانتان در خانه نیستند دوستانتان به شما آب جو تعارف کنند یا بعضی از دوستان شما سیگار بکشند یا مواد مخدر مصرف کنند و ممکن است که از شما بخواهند که شما نیز آن را امتحان کنید. با شاید دوستس از ط شما بخواهد که فیلم یا مجله مبادلی را نگاه کنید. این چیزها می تواند با مریض کردن شما یا کنترل مغز یا بدن شما در راههایی که موجب خشنودی خدا نمی شود، به شما آسیب برساند.



کار تعلیم کارت تعلیم به همراه تاکید تعلیم برای بچه ی نجات یافته را نشان دهید: خدا می خواهد که شما زندگی تان را پاک نگه دارید.

از مثالهای کاربردی استفاده کنید که برای بچه های مورد تعلیم شما قابل درک باشد.

گفتن نه به دوستان تان سخت است. ممکن است که آنها به شما بخندند یا بر روی شما اسم های مسخره بگذارند. اما خدا می گوید که بدن شما بسیار مخصوص است. وقتی که شما به عیسی خداوند به عنوان نجات دهنده خود ایمان آوردید شما زندگی ابدی را دریافت کردید و خدای روح القدس آمد تادر شما زندگی کند. خدا می گوید " یا نمی دانید که بدن شما هیكل روح القدس است که در شما است که از خدا یافته اید و از آن خود نیستید؟ زیرا که به قیمتی خریده شدید. پس خدا را به بدن خود تمجید کنید. " (اول قرننیاں ۶: ۱۹ - ۲۰)
خدا می خواهد که شما با پاک نگه داشتن زندگی تان او را جلال دهید. و از چیزهایی که موجب آسیب رسیدن یا ناپاک کردن بدن تان می شود خود را آزاد کنید.

توجه کنید که دانیال با مهارت و احترام به افسران نزدیک شد. او در رای خود محکم بود اما حالتی طلبکارانه نداشت. او مثالی نیکو برای ما می باشد و به ما کمک می کند تا بدانیم چگونه باید در چنین موقعیتهایی عکس العمل نشان دهیم. بچه ها می توانند مکالمه ی بین دانیال، اشفناز و ملازار (رییس ساقیان) را به شکل نمایشی بازی کنند. بچه ها از کارهای عملی در درس لذت می برند.

دانیال مصمم بود که با نخوردن غذاهای پادشاه خود را پاک نگه دارد و دوستان اش می خواستند که زندگی های شان را در برابر خدا پتک نگه دارند. اما تصمیم آنها آسان نبود. به عنوان اسرای بابلی، از آنها توقع می رفت که آنچه را که به آنها داده می شود بخورند. دانیال می بایست به آرامی میز را ترک کرده بود و مودبانه از اشفناز پرسیده بود که آیا ممکن است او و دوستان اش از غذای پادشاه نخورند. کتاب مقدس می گوید که خدا به اشفناز مهربانی خاصی در رفتار با این چهار مرد جوان داده بود، اما او نپذیرفت که به آنها کمک کند.

من از سرورم پادشاه می ترسم! " اشفناز به دانیال گفت. " او به من " مسئولیت داده است که ببینم آیا شما غذای مناسبی برای خوردن و نوشیدن دارید. اگر شما ضعیف تر یا خسته تر از دیگران به نظر برسید، ممکن است " !من یرم را از دست بدهم

تصویر ۴- ۱ از کتاب تصاویر
دانیال تسلیم نشد. او با ملزار نگهبان صحبت کرد. " لطفاً ما را برای ده روز آزمایش کن"، دانیال تقاضا کرد. " تنها به ما سبزیجات و آب بده آنوقت ما را " معاینه کن و ببین که در مقایسه با دیگران چطور هستیم
ملزار می بایست در این باره سخت اندیشیده بود. او نیز می دانست که اگر اسرا سالم نباشند مجازات چیست. در پایان او با آزمایش ده روز دانیال موافقت کرد.

خوردن تنها سبزیجات و آب برای ده روز می بایست برای آنها آسان نمی بود. غذاهای غنی پادشاه وسوسه کننده بود- و شاید دیگران آنها را مسخره می کردند. آنها می بایست به خدا اعتماد می کردند تا به آنها برای تحمل آزمایش قوت دهد. اما آنها می دانستند که خدا این فرصت را داده بود تا ثابت کند که جلال دادن خدایشان با پاک نگه داشتن زندگی هایشان کاری صحیح است.

اگر شما به عیسی خداوند به عنوان نجات دهنده تان ایمان آورده اید، خدا می خواهد که شما زندگی تان را پاک نگه دارید. انجام این کار همیشه درست است زیرا خدا جلال خواهد یافت



کارت تعلیم کارت تاکید تعلیم برای بچه
ی نجات یافته را نشان دهید

هر چند ممکن است شما وسوسه شوید تا کارهایی انجام دهید که به بدنتان آسیب می رساند، ولی خدا می تواند به شما کمک کند که زندگی تان را پاک نگه دارید. وقتی که شما وسوسه می شوید اول فکر کنید که چقدر بدن تان برای خدا مخصوص است- بدن شما هیكل خدا است!

دوم دعا کنید و از خدا بخواهید که به شما جرات دهد تا کار صحیح را انجام دهید.

سوم به آنهایی که از شما می خواهند کارهای اشتباه انجام دهید بگویید نه. شاید شما بتوانید به آنها توضیح دهید که چرا انجام چیزی که آنها می تواند برای شما اشتباه باشد.

چهارم از کسانی که شما را وسوسه می کنند تا کارهای گناه آلود انجام دهید دوری کنید.

ممکن است که شما نیاز داشته باشید که از خدا بخواهید به شما دوستانی بدهد که شما را به چنین راههایی وسوسه نمی کنند. در کجا شما می توانید قوت و جرات فکر کردن، دعا کردن، نه گفتن یا دوری کردن از این چیزها را پیدا کنید؟ بیایید تا آیه حفظی مان را بگوییم. (افسسیان ۶: ۱۰ را با هم تکرار کنید.) خدا می تواند وقتی که شما به او اطمینان می کنید به شما قوتی را که نیاز دارید بدهد.

ممکن است که خدا به شما فرصت مخصوصی داده تا به دوستانتان ثابت کنید که پاک نگه داشتن زندگی تان کاری صحیح است.

چهار قدم مشروحه را یکبار دیگر تاکید نمایید تا بچه ها به خاطر بسپارند. شما می توانید از ایشان بخواهید تا برای به خاطر سپردن کلمات، آنها را تکرار نمایند. این کار به بچه ها در یادگیری از طریق حس شنوایی یاری می رساند.

دانیال و دوستان اش می بایست می دانستند که خدا به آنها فرصتی داده تا ثابت کنند که جلال دادن خدای شان با پاک نگه داشتن زندگی های شان کاری صحیح است. هر چند که غذاهای غنی پادشاه وسوسه کننده بود و دیگران ممکن است آنها را مسخره می کردند، اما آنها به خدا اعتماد کردند تا به آنها قوت دهد که این آزمایش را تحمل کنند.

تصویر ۵- ۱ از کتاب تصاویر

وقتی که ده روز به پایان رسید، ملزار با دقت به مردان جوان نگاه کرد. او متعجب بود که ایشان سالم تی و قوی تر از کسانی بودند که غذاهای پادشاه را خوردند! در ادامه مدت آموزش آنها، ملزار به ایشان اجازه داد تا تنها غذایی را بخورند که خدای شان را جلال می داد. همانطور که آموزش ادامه می یافت، دانیال و دوستان اش می بایست به سختی مطالعه می کردند. کتاب مقدس می گوید که خدا به آنها دانش، مهارت و حکمت داد تا آنچه را که یاد می گرفتند بفهمند. همچنین خدا به دانیال حکمت ویژه ای داد تا خواب ها را بفهمد. نهایتاً سه سال آموزش آنها به پایان رسید و فرمان آزمایش بزرگ در برابر نبوکد نصر پادشاه فرا رسید!

تصویر ۶- ۱ از کتاب تصاویر

پادشاه درباره تمام چیزهایی که آنها آموخته بودند از ایشان سوال کرد. کتاب مقدس می گوید که پادشاه دانیال و دوستان اش را ده بار حکیم تر از تمامی مردان حکیم در پادشاهی یافت!

نقطه اوج داستان

خدا دانیال و دوستان اش را جلال داد زیرا آنها انتخاب کردند که زندگی هایشان را پاک نگه دارند

نتیجه

پادشاه به چهار مرد جوان شغل های مهمی در پادشاهی داد و آنها با وفاداری به خدمت شان به او ادامه دادند. خدا به دانیال و دوستان اش کمک کرده بود تا در خداوند قوی باشند. هر چند که این کار سخت بود ولی آنها آن را انجام دادند! آنها تصمیم گرفتند تا زندگی هایشان را برای خدا پاک نگه دارند

تقلا

اگر شما به عیسی خداوند به عنوان نجات دهنده تان ایمان دارید، خدا می خواهد که شما زندگی تان را پاک نگه دارید. در این هفته وقتی که وسوسه می شوید تا کارهایی را انجام دهید به بدنتان آسیب می رساند به خاطر بیاورید که فکر کنید، دعا کنید، بگویید نه و از آن چیزها دوری کنید. فکر کنید که چگونه بدنتان هیکل خدا استو دعا کنید تا جرات یابید که کار درست را انجام دهید. به کسانی که می خواهند آن کارهای اشتباه را انجام دهند بگویید نه. از کسانی که سعی می کنند که شما را وسوسه کنند تا کارهای گناه آلود انجام دهید دوری کنید. به خاطر بیاورید که قوت و جرات شما از اطمینان کردن به خدا حاصل می شود. (افسسیان ۶: ۱۰ را (با همدیگر تکرار کنید



کار تعلیم کارت تعلیم برای بچه ی نجات یافته را نشان دهید

کارتهای ببر خانه را که حاوی تاکید تعلیم برای بچه ی نجات یافته و چهار عبارت کلیدی می باشد تهیه کنند و به بچه ها بدهید

آیا در این هفته به خدا اعتماد می کنید تا شما را برای خودش قوی سازد و به شما کمک کند تا زندگی تان را پاک نگه دارید؟ کاغذی برای شما دارم که این چهار قدم – فکر کن، دعا کن، بگو نه، دور شو در آن نوشته شده است. آن را جایی قرار دهید تا به شما یادآوری کند که زندگی تان را برای خدا پاک نگه دارید. بیابید تا این هفته برای یکدیگر دعا کنیم، آنوقت هفته دیگر ما با هم در میان می گذاریم که چگونه خدا به ما کمک کرد تا زندگی هایشان را برای او پاک نگه داریم

دعوت

قوتی که خدا برای نگه داشتن زندگی تان می دهد تنها برای کسانی است که به عیسی خداوند به عنوان نجات دهنده شان ایمان آورده اند. اگر شما تا به حال به او ایمان نیاورده اید، شما می توانید امروز این کار را انجام دهید. عیسی خداوند روی صلیب مرد و دوباره زنده شد تا بخشش گناهان شما ممکن شود. عیسی می گوید، " هر که به من ایمان آرد، حیات جاودانی (دارد. " (یوحنا ۶: ۴۷



با استفاده از این روش یا روش دیگری که موثر یافته اید از بچه ها دعوت کنید که عیسی خداوند را بپذیرند. برای آموزش های بیشتر به میحث " چگونه می توان یک بچه را به سوی مسیح هدایت کرد" مراجعه کنید

ایمان آوردن یعنی کاملاً اعتماد کردن به عیسی مسیح خداوند به عنوان تنها کسی که می تواند شما را ببخشد. وقتی که شما به خدا اعتراف می کنید که گناه کرده اید و با ایمان آوردن به عیسی خداوند به عنوان نجات دهنده تان از گناهانتان بر می گردید خدا وعده می دهد که شما زندگی خواهید داشت که برای همیشه ادامه خواهد داشت. او گناهانتان را دور می کند و شما را از درون تغییر می دهد آنوقت شما قادر خواهید بود که روزی با او در آسمان زندگی کنید. آیا شما به او ایمان خواهید آورد؟ لطفاً سرتان را خم کنید و چشم های تان را ببندید. اگر شما مایلید که به عیسی خداوند به عنوان نجات دهنده خود ایمان بیاورید، آیا با بلند کردن دستتان به من نشان خواهید داد؟ (متوجه پاسخ ها شوید.) آنهایی که دست شان را بلند کردند می توانند مرا (در یک مکان و زمان تعیین شده) ملاقات کنند تا من بتوانم از روی کلام خدا به شما نشان دهم که چطور شما می توانید ایمان بیاورید و زندگی ابدی داشته باشید.

سوالات مروری

- ۱- چرا خدا اجازه داد که نبوکدر نصر پادشاه سرزمین یهودا را تصرف نماید؟
زیرا قوم اسرائیل از خدا اطاعت نکردند
- ۲- نبوکدر نصر پادشاه می خواست که چه کار ویژه ای روی مردان جوان که اسیر شده بودند و به سرزمین بابل برده شده بودند، صورت گیرد؟
آنها می بایست غذای پادشاه را می خوردند و مورد تعلیم و تربیت قرار می گرفتند تا بهترین ایشان بتوانند پادشاه را خدمت کنند
- ۳- فکر می کنید چرا اسامی مردان جوان تغییر داده شده؟
اسامی قدیمی آنها درباره خدای زنده حقیقی صحبت می کرد و مردی که مسئول شان بود، می خواست که مردان جوان خدای شان را فراموش کنند
- ۴- شما چطور می توانید زندگی ابدی داشته باشید؟
گناهتان را بپذیرید و به عیسی خداوند ایمان بیاورید تا او زندگی جاوید را به شما بدهد
- ۵- چرا دانیال و دوستان اش نخواستند که غذای پادشاه را بخورند؟
زیرا که خوردن از آن غذا خلاف احکام ویژه ای درباره غذا بود که خدا به یهودیان داده بود

- ۶- شما چطور می توانید با بدنتان خدا را جلال دهید؟
از انجام کارهایی که به بدنتان آسیب می رساند امتناع کنید
- ۷- دانیال از نگهبانان خواست که اجازه دهند خودش و دوستان اش چه کاری انجام دهند؟
برای ۱۰ روز تنها سبزی و آب بخورند
- ۸- اگر دانیال و دوستان اش سالم نمی بودند چه اتفاقی برای نگهبانان می افتاد؟

بازی مروری

سوالات و امتیازات

سوالات مروری فتوگی کرده و یک به یک ببرید. بعد آنها را درون پاکتی با بر چسب سوالات قرار دهید. روی تکه های کوچک کاغذ امتیازات متفاوتی را نوشته و کاغذ را درون پاکتی با بر چسب امتیازات قرار دهید. کلاس را به دو تیم تقسیم کنید و به نوبت از ایشان سوال کنید. هر یک از بچه ها به نوبت سوالی را از درون پاکت بیرون می کشند
اگر بچه ی مورد نظر سوال را به درستی پاسخ دهد می تواند یکی از کاغذ های امتیازات را از درون پاکت امتیاز بیرون کشیده و امتیاز را به حساب تیمش واریز کند. در پایان پاسخگویی به سوالات تیمی که بیشترین امتیازات را کسب کند برنده است.

نگهبانان مجازات می شدند

۹- وقتی که شما وسوسه می شوید تا کاری انجام دهید که به بدنتان آسیب خواهد رساند چه می توانید انجام دهید؟

فکر کنید- که بدنتان چقدر مخصوص است، دعا کنید- از خدا بخواهید که به شما جرات دهد، بگویید نه، دور شوید- از کسانی که از شما می خواهند کار اشتباهی انجام دهید دور شوید

۱۰- نتیجه آن ده روزی که دانیال و دوستان اش تنها سبزی خوردند و آب نوشیدند چه بود؟

آنها از مردان جوان دیگر سالم تر و قوی تر بودند

۱۱- شما چطور می توانید قوت داشته باشید تا برای انجام آنچه که صحیح است بایستید

از خدا بخواهید که به شما قوت دهد

۱۲- وقتی که پادشاه دانیال و دوستان اش را آزمایش کرد متوجه چه شد؟

او فهمید که دانیال و دوستان اش ۱۰ مرتبه بیشتر از تمامی مردان حکیم پادشاهی اش خردمند هستند

چشم انداز درس

متن کتاب مقدس	دانیال ۲
آیه حفظی	یعقوب ۱ : ۵ " و اگر از شما کسی محتاج به حکمت باشد، سوال بکند از خدایی که هر کس را به سخاوت عطا می کند و ملامت نمی نماید و به او داده "
هدف تعلیم	بچه نجات یافته از خدا خواهد خواست که به او حکمت بدهد، و با اطمینان قدم های تعلیم داده شده در این درس را بکار می برد
هدف اصلی	از خدا برای دریافت حکمت سوال کنید
تاکید برای نجات نیافتگان	به عیسی خداوند برای دریافت نجات ایمان بیاورید
کمکهای تصویری	تصاویر ۶ - ۱ - ۲

خطوط اصلی درس

۱ - مقدمه

پادشاه دوباره بوسیله یک خواب عجیب بیدار شد. مفهوم خواب چه بود؟

۲ - پیشرفت وقایع

الف - نبوکدنصر پادشاه مردان حکیم (ستاره شناسان، ساحران و جادوگران) خود را خواند تا خواب آزار دهنده اش را تعبیر نمایند. (۲ : ۱ - ۳

ب - مردان حکیم از پادشاه خواستند که او خواب اش را بگوید تا آنها بتوانند آن را تعبیر کنند. (۲ : ۴
پ - پادشاه به آنها دستور داد تا هم خواب و هم مفهوم اش را بگویند و وعده داد اگر آنها موفق شوند پادشاه یابند و اگر موفق نشوند، کشته شوند. (۲ : ۵ - ۹

د - ان حکیم با ناامیدی تلاش کردند که پادشاه را متقاعد کنند که از درخواست صرف نظر کند. (۲ : ۱۰ - ۱۱

ث - پادشاه خشمگین دستور داد که تمامی مردان حکیم کشته شوند، پس نگهبانان به جستجوی دانیال و دوستان اش پرداختند. (۲ : ۱۲ - ۱۳

ج - دانیال توسط اریوک از درخواست پادشاه آگاه شد، پس دانیال درخواست کرد که پادشاه را ببیند. (۲ : ۱۴ - ۱۵

چ - دانیال از پادشاه تقاضای زمان کرد تا خواب و تعبیر اش را بفهمد، و پادشاه نیر درخواست اش را پذیرفت. (۲ : ۱۶

ح - نبال و دوستان اش برای دریافت حکمت دعا کردند. (۲ : ۱۷ - ۱۸

خ - خدا خواب نبوکدنصر را برای دانیال آشکار ساخت. (۲ : ۱۹

- د - دانیال خدای آسمانها را ستود. (۲ : ۲۰ - ۲۳)
 ذ - دانیال به اریوک گزارش داد که خواب را می داند، و اریوک او را نزد پادشاه برد. (۲ : ۲۴ - ۲۵)
 ر - دانیال در حالی که به خدا اعتبار داد، خواب و تعبیرش را به پادشاه گفت. (۲ : ۲۶ - ۴۵)

۳ - نقطه اوج داستان

خدا به دانیال حکمت داد تا درخواست نامعقولانه پادشاه را انجام دهد


۴ - نتیجه

- الف - پادشاه در مقابل دانیال تعظیم کرد و خدای دانیال را تصدیق کرد. (۲ : ۴۶ - ۴۷)
 ب - محکومیت مرگ ملغی شد، دانیال پادشاه گرفت و او و سه دوست اش ترفیع مقام دریافت کردند. (۲ : ۴۸ - ۴۹)

(تقلا) بچه نجات یافته

برای دریافت حکمت سوال کنید. (یعقوب ۱ : ۵)

(دعوت) بچه نجات نیافته

خداوند ایمان بیاورید تا شما را از گناه نجات دهد. (اعمال ۱۶ : ۳۱) 

تعلیم آیه حفظی

یعقوب ۱: ۵ "اگر از شما کسی محتاج به حکمت باشد، سوال بکند از خدایی که هر کس را به سخاوت عطا می کند و ملامت نمی نماید و به او داده خواهد شد."

مقدمه

زرنگ یا باهوش بودن به چه معناست؟ بچه ها را تشویق کنید تا پاسخ دهند- (.....پاسخ هایی مانند زیاد دانستن، جواب های درست را یافتن آیا می دانید که شما می توانید زرنگ ترین شخص در مدرسه باشید ولی همچنان خردمند نباشید؟ حکمت واقعی تنها از خدا است. حکمت عمل کردن به دانش و حقیقت خدا در زندگی روزانه تان است. اجازه دهید ببینیم که چطور می توانیم حکمت بیابیم؟

معرفی

کتاب مقدس تان را نشان دهید، با این توضیح که آن کلام خداست. آیه را از روی کتاب مقدس تان بخوانید و توضیح دهید که آن را چگونه یافته اید. اجازه دهید که بچه ها آیه را با شما از روی آیه نمایی بخوانند.

توضیح

اگر کسی از شما محتاج به حکمت باشد- خدا به شما می گوید که چه کاری انجام دهید اگر شما حکمت ندارید تا تصمیم درست را اتخاذ کنید. سوال بکند از خدایی که هر کس را به سخاوت عطا می کند و ملامت نمی نماید و به او داده خواهد شد- اگر شما به حکمت نیاز دارید، خدا شما را دعوت می کند که از او بخواهید و او به شما حکمت خواهد داد.

کاربرد

نجات یافتگان: آیا شما گاهی با موقعیت های دشواری روبرو می شوید وقتی که نمی دانید انجام کدام کار صحیح است؟ اگر شما به عیسی برای نجات ایمان آورده اید، شما می توانید از خدا برای دریافت حکمت سوال کنید. نجات نیافتگان: وقتی که شما می دانید کار صحیح چیست ولی کار اشتباه را انجام می دهید، این عمل گناه است. عیسی مرد تا مجازات گناه شما را بردارد. اگر شما تا به حال به عیسی ایمان نیاورده اید شما می توانید امروز به عیسی خداوند ایمان بیاورید تا گناهتان بخشیده شود.

تکرار

توقف کنید و بروید (توضیح دهید که شما با استفاده از دو دستتان علامت هایی می دهید که بچه ها را در گفتن آیه هدایت می کند دستانتان را بالا نگه دارید و انگشتانتان را در حالی که به خودتان اشاره می کنند به سوی خود بگیرید تا نشانه " بروید" باشد. دستانتان را مانند درخت خرما نگه دارید تا نشانه " توقف کنید" باشد.

با علامت " بروید" شروع کنید، آن وقت بچه ها با گفتن مرجع آیه شروع به گفتن آیه می کنند تا وقتی که شما علامت " توقف کنید" را می دهید. علامت " بروید" را برای ادامه آیه می دهید. با نشان دادن تناوبی نشانه های "بروید" و "توقف کنید" آیه را چند بار تکرار کنید، آن وقت اجازه دهید بچه ها (داوطلبانه این فعالیت را ادامه دهند)

درس

مقدمه

نبوکد نصر پادشاه در حالی که بیدار بود در تاریکی دراز کشیده بود. او دوباره آن خواب را دیده بود! این خواب عجیب به چه معنا بود؟ آیا خدایان سعی می کنند تا پیغامی به من بدهند؟ او از خود پرسید. او می دانست که احتمالاً نمی تواند دوباره بخوابد تا وقتی که معنی این خواب را بفهمد. اما چه کسی حکمت داشت تا چنین خواب اسرار آمیزی را آشکار سازد؟

پیشرفت وقایع

تصویر ۱- ۲ از کتاب تصاویر

وقتی که صبح شد، پادشاه مردان حکیم خود را خواند تا بیایند. دانیال و سه دوست او نیز جزئی مردان حکیم محسوب می شدند. آنها به شکل نزدیکی با پادشاه کار می کردند و در مورد مسائل مهم او را نصیحت می کردند. اما آنها در گروه مشاورانی که در آن روز دور پادشاه حلقه زده بودند، نبودند. بعضی از این مردان ستاره شناس بودند، کسانی که باور داشتند سیارات باعث اتفاق افتادن حوادث در زندگی انسان ها می شود. آنها به نحوی شبیه طالع بین های امروزی پیشگویی می کردند.

بقیه آنها جادوگران و ساحرانی بودند که با استفاده از سحر و جادو و خواندن ارواح آینده را پیشگویی و جادو می کردند. این مردان خدایان دروغین بابل را می پرستیدند. آنها فکر می کردند که خدایان دروغین به آنها قدرت می دهد. آنها به خدای واحد زنده و حقیقی ایمان نداشتند

بعضی ها فکر می کنند که این خواب در سال دوم سلطنت نبوکد نصر اتفاق افتاد و این که شاید این زمان حدوداً اواخر تعلیم سه ساله ی دانیال و دوستانش می بود

یا شما به خدای زنده و حقیقی ایمان دارید؟ او خالق قادر مطلق است که همه چیز را افریده است. او سیارات را ساخت، آنها را در فضا قرار داد و تمام آنها را در مدارهای مناسب شان نگه می دارد. او زمین و هر آنچه در آن است را ساخت. او شما را نیز ساخت! او می خواهد که شما او را بشناسید و او را دوست داشته باشید. اما در عوض شما با این خواست به دنیا آمدید که به راههای خود بروید. خدا ان را گنایه می نامد. کتاب مقدس (می گوید، " کسی عادل نیست، یکی هم نی") (رومیان ۳: ۱۰) هیچ کس مثل خدا نیست. هیچ کس مثل او در تمام چیزهایی که فمر می کند، می گوید و انجام می دهد بدون گناه نیست. به این دلیل است که گاهی شما درباره دیگران فکرهای بد می کنید، آنها را به نام های ظالمانه می خوانید یا حتی آنها را می زنید



از آنجا که تمرکز این درس بر رشد مسیحی قرار دارد، پیغام نجات خلاصه شده است. شما می توانید در زمان دیگری از ساعت کلاس بر معرفی انجیل تاکید نمایید

خدا می گوید که مجازات گناه جدایی ابدی از او در یک مکان مجازات به نام جهنم است. اما خدا شما را دوست دارد و راهی ساخت تا شما را از این مجازات بسیار بد نجات دهد.

کتاب مقدس می گوید، " لکن خدا محبت خود را در ما ثابت می کند از این که هنگامی که ما هنوز گناهکار بودیم، مسیح در راه ما مرد" (رومیان ۵: ۸).

خدای پسر، عیسی مسیح خداوند به روی زمین آمد و یک زندگی بدون گناه را زیست کرد. او اجازه داد تا انسان های شریر او را به یک صلیب میخکوب کنند، او بر روی صلیب رنج برد، خون اش ریخت و برای گناه شما مرد. کتاب مقدس می گوید، " و خون پسر او عیسی مسیح ما را از هر گناه پاک می سازد" (اول یوحنا ۱: ۷). خون عیسی بهای کاملی بود که خدا برای گناه لازم می دانست. بعد از مردن و دفن شدن عیسی به وسیله قدرت خدا دوباره زنده شد. شما می توانید به عیسی خداوند ایمان بیاورید. (اعتماد کنید) تا از مجازات گناهتان نجات یابید. آنوقت شما قادر خواهید بود که تا ابد با خدا در بهشت زندگی کنید. او تنها خدای زنده و حقیقی است و او می خواهد که شما به او ایمان بیاورید.

مردان حکیم درباره نبوکد نصر پادشاه به خدای واحد زنده و حقیقی ایمان نداشتند. آنها خدایان دروغین بابل را پرستش می کردند و فکر که این خدایان دروغین به آنها قدرت می دهند. پادشاه به آنها گفت، " من خوابی دیده ام که موجب گرفتاری من شده است. من می خواهم درباره این خواب بدانم" پادشاه تا ابد زنده باد! مردان حکیم بانگ زدند. " به ما بگو که چه خوابی دیده ای تا ما معنی آن را به تو بگوییم. " نه" پادشاه گفت. " شما باید به من بگویید که "چه خوابی دیده ام و معنی آن را هم بگویید

پادشاه نمی توانست خواب اش را به یاد آورد و او در حال امتحان کردن مردان حکیم خود بود تا بفهمد که آیا آنها واقعاً می توانستند خواب ها را بدانند و آنها را تعبیر کنند. پادشاه در ادامه گفت، " لگر شما بتوانید خواب و مفهوم آن را به من بگویید، پادشاه بزرگی دریافت خواهید کرد. اما اگر موفق نشوید، همگی شما کشته خواهید شد. گ

مردان حکیم با درخواست پادشاه گیج شدند و دوباره گفتند، " لطفاً درباره خواب تان به ما بگویید، آن وقت ما به شما می گوییم که آن بچه معناست!" "پادشاه عصبانی تر شد

وقت را تلف نکنید! او دستور داد. " اگر شما نمی توانید به من درباره خواب بگویید احتمالاً درباره مفهوم آن نیز دروغ خواهید گفت. اگر شما بتوانید خواب را به من بگویید تنها آن وقت من می توانم بدانم کهحقیقت را می " بگویید

مردا حکیم با نا امیدی سعی کردند که پادشاه را قانع کنند. " هیچ کس نمی تواند کاری را که شما می خواهیدانجام دهد! این کار بسیار سخت است!" آنها گفتند. " هیچ کس تا به حال چنین چیز غیر منصفانه ای نخواست است. "!تنها خدایان می توانند این کار را آشکار کنند

آنها می دانستند که تنها شخص دارای حکمت ماورای طبیعی می تواند این

ظاهر" پادشاه فکر کرد که این خواب بسیار با اهمیت بوده و خواست مطمئن شود که به درستیتعبیر خواهد شد. به نظر می رسد او به اعتبار مردان حکیمش شک داشت و می خواست ایشان را امتحان کند که اگر قادر به پیشگویی آینده می باشند، پس از ایشان خواست که گذشته را به یاد آورند.

خواب و مفهوم آن را بگوید و آنها نمی دانستند که آیا خدایان شان می توانستند چنین حکمتی به آنها بدهند.



از این فرصت استفاده کنید و به بچه ها کمک نمایید تا تأثیرات مدرن امروزی در اطراف خود را درک کرده و آن را مطابق با تعالیم کتاب مقدس رد نمایند. اگر به کتاب ها یا فیلم هایی که بچ ها در معرض آن هستند نگاه کنید به شما کمک خواهد شد از فشارهایی که بچه ها با آن روبرو هستند آگاه شوید.

حکمت چیست و شما کجا می توانید در موقع نیاز آن را بیابید؟ حکمت عمل کردن به دانش و حقیقت خدا در زندگی روزانه تان است. شما به حکمت نیاز دارید تا تصمیم بگیرید که باید نزدیک ترین دوستان چه کسی باشد، باید چه فعالیت هایی را انجام دهید یا انجام ندهید، و چگونه مشکلات و دیگر موقعیت ها را اداره کنید. ممکن است که دوستانتان سعی کنند با خواندن طالع شان (جدولی که می گوید مطابق با موقعیت سیارات چه اتفاقی در حال وقوع است) کمک دریافت کنند.

بعضی ممکن است که از بلورها یا بازی های دیگر استفاده کنند. این چیزها ایشان را تشویق می کند تا ارواح را بخوانند و ممکن است این ارواح، ارواح شیطانی باشند.

بعضی ها ممکن است که با روان شناسان یا افراد دیگر که ادعا می کنند نیروهای مخصوص برای پیش بینی آینده دارند صحبت کنند. این ها منابع حقیقی حکمت نیستند، اینها اعمال گناه آلودی هستند و کتاب مقدس می گوید که این اعمال " نزد خداوند مکروه (تفر انگیز) است." (تثنیه ۱۸-۱۲)

این ها بخشی از اسرار است. این اعمال فکر شما را با شک و افکار شیطانی پر می سازد. بعضی وقت ها به نظر می رسد که آنها موثر واقع می شوند ولی قدرت آنها از دشمن خدا شیطان می آید.

آنانی که این کارها را انجام می دهند توسط شیطان فریب می خورند. تنها یک خدای حقیقی وجود دارد که قادر مطلق است و منبع تمام حکمت است. اگر شما عیسی خداوند را به عنوان نجات دهنده تان می شناسید، از خدا طلب حکمت کنید. او به شما حکمت لازم برای گرفتن تصمیمات صحیح را خواهد داد.

کارت تعلیم کارت با تاکید تعلیم برای بچه ی نجات یافته را نشان دهید: از خدا طلب حکمت نمایید.

مردان حکیم نبوکد نصر پادشاه نمی دانستند که آیا خدایان شان می توانستند به آنها حکمت دهند تا آنها بتوانند خواب پادشاه و مفهوم آن را بگویند. آنها با نا امیدی سعی کردند تا برای پادشاه دلایل قانع کننده ای بیاورند. پادشاه به خاطر تمامی بهانه های آنها بسیار خشمگین شد و دستور داد تا نگهبانان تمامی مران حکیم را بکشند.

تصویر ۲-۲ از کتاب تصاویر

نگهبانان مردان حکیم را جمع کردند تا فرمان پادشاه را اجرا کنند. آنها رفتند تا دانیال و شه دوست او را نیز بیاورند. اریوک فرمانده نگهبانان به نزد دانیال رفت تا او را ببرد. دانیال احتمالاً هنوز درباره محکوم شدن مردان حکیم به مرگ نشنیده بود. دانیال به آرامی پرسید که چه چیز باعث شد که پادشاه چنین دستور ظالمانه ای بدهد. وقتی که اریوک درباره خواب پادشاه توضیح داد، دانیال خواست تا با پادشاه صحبت کند.

تصویر ۳-۲ از کتاب تصاویر

دانیال از پادشاه عصبانی اصرار کرد تا کشتن مردان حکیم را به تاخیر بیاندازد. او به زمان نیاز داشت تا خواب و مفهوم آن را بفهمد. پادشاه موافقت

می توانید به بچه ها اجازه دهید که مکالمه ی اریوک و دانیال را به شکل نمایشی بازی کنند. این کار به بچه ها کمک می کند تا به فرصتی برای فعالیت پر جنب و جوش دست یابند.

کرد. اگر شما به جای دانیال بودید چه می کردید؟ (اجازه بدهید بچه ها پاسخ دهند) دانیال به خانه برگشت و حننیا، میشائیل و عزریا را جمع کرد و در مورد این موقعیت جدی با آنها صحبت کرد. آنوقت آنها بهترین کاری را که می توانستند انجام دهند انجام دادند
 تصویر ۴- ۲ از کتاب تصاویر
 آنها به نزد خدای واحد زنده و حقیقی دعا کردند، و از او طلب حکمت کردند.
 آنوقت آنها منتظر ماندند تا خدا پاسخ دهد



کارت تعلیم کارت با تاکید تعلیم برای بچه
 ی نجات یافته را نشان دهید

گر شما عیسی خداوند را به عنوان نجات دهنده خود می شناسید، از خدا طلب حکمت کنید و توقع داشته باشید تا او به شما جواب دهد. وقتی که شما نیاز دارید تا تصمیمی بگیرید یا بدانید که چگونه موقعیت دشواری را اداره کنید، برای یافتن پاسخ از اعمال گناه آلود جادویی استفاده نکنید. کتاب مقدس (می گوید، (یعقوب ۱: ۵ را تکرار کنید
 به عنوان فرزند خدا شما می توانید برای دریافت حکمت آزادانه به نزد او بیایید. خدا می خواهد که شما از او بطلبید. بطلبید! از خدا بخواهید تا به شما حکمت دهد. برای مثال، اگر شما سعی دارید تا تصمیم بگیرید که چه کسی نزدیک ترین دوست شما باشد، از خدا بخواهید به شما حکمت بدهد تا تصمیم بگیرید. پاسخ را در کلام خدا و فرزندان اش جستجو کنید. کتاب مقدس را بخوانید و به دنبال آیاتی بگردید که درباره دوستی می باشد، فکر کنید که آیات چگونه درباره موقعیت شما به کار می رود. با فرزندان خدا صحبت کنید. فرزندان خدا، خدا را می شناسند و او را دوست دارند. کشیش شما، معلم کانون شادی یا دوستان مسیحی یا اعضای خانواده ممکن است که بتوانند شما را نصیحت کنند. از آنها بپرسید که در این موقعیت آنها چه کار می کردند یا چه صفاتی را در یک دوست نزدیک جستجو می کردند. به ایمان داشتن به این که خدا به شما پاسخ خواهد داد ادامه دهید. او به شما افراد درست را نشان می دهد تا نزدیک ترین دوستان شما باشند
 شما می توانید از این قدم ها در هر موقعیتی که نیاز دارید پیروی کنید. اگر شما سعی دارید که تصمیم بگیرید چه چیزی درست است و چه چیزی نادرست از این سه قدم پیروی کنید. توسط عقاید گناه آلود جادویی فریب نخورید. وقتی که نیاز به حکمت دارید از خدا بطلبید، بعد منتظر باشید و توقع داشته باشید، تا او جواب دهد

از بچه ها بخواهید تا قدمهای مورد اشاره در متن تقلا را مرور کنند. این کار به ایشان کمک می کند تا افکار خود را به زبان آورند

دانیال و دوستان اش از خدا طلب حکمت کردند، آنوقت منتظر ماندند با این توقع که خدا با آشکار کردن خواب پادشاه و مفهوم اش برای آنها پاسخ می دهد

بعداً، احتمالاً در آن شب، خدا پاسخ داد! دانیال خواب پادشاه را خواب دید و مفهوم آن را فهمید! دانیال می بایست هیجان زده شده بود، اما قبل از این که با عجله به نزد پادشاه برود و به او بگوید، او مکث کرد تا از خدا برای پاسخ دعا تشکر کند

اسم خدای پدر تا ابدالاباد متبارک باد" دانیال گفت، " زیرا که حکمت و " توانایی از آن او می باشد. " ای خدای پدران من، تو را شکر می گویم و متبارک می خوانم، زیرا که تو به من حکمت داده ای.... و آنچه را که من از

"تو خواستم برایم آشکار کردی"

دانیال به وسیله دعا کردن و اعتماد کردن به خدا برای دریافت حکمت در خداوند قوی بود و خدا دعای او را پاسخ داده بود. آن وقت دانیال اریوک را پیدا کرد. " مردان حکیم را نکش!" دانیال گفت. " مرا به نزد پادشاه ببر و من خواب اش را به او می گویم!" اریوک با عجله به نزد پادشاه رفت و به او گفت که دانیال می توانست خواب اش را توضیح دهد.

تصویر ۳- ۲ از کتاب تصاویر

نبوکد نصر از دانیال پرسید، " آیا حقیقت دارد؟ آیا تو می توانی به من خواب و مفهوم آن را بگویی؟ دانیال پاسخ داد، " این راز نمی تواند توسط مردان حکیم تو حل شود. اما خدایی در آسمان وجود دارد که اسرار را آشکار می سازد. او راز تو را آشکار ساخته است. تو در شب درباره آینده پادشاهی از خود سوال می کردی. خوابی که خدا به تو داد پاسخ سوالات تو است. پادشاه می بایست مشتاقانه به سوی جلو خم شده بود وقتی که او به دانیال گوش می داد. دانیال در ادامه گفت، " خدا این را برای من آشکار نکرده است به این دلیل که من از دیگران حکیم تر هستم." دانیال به پادشاه یادآوری کرد که حکمت او از خدا است.

تصویر ۵- ۲ از کتاب تصاویر

آنوقت دانیال خواب را گفت. او درباره یک مجسمه عظیم که از طلا، نقره، برنز و خشت ساخته شده بود توضیح داد. او همچنین درباره سنگ عظیمی که به مجسمه برخورد می کند و آن را تکه تکه می کند شرح داد. این سنگ بزرگ تر شد و تبدیل به کوه شد که تمامی زمین را پوشاند. چشمان پادشاه می بایست از تعجب از حدقه بیرون زده بود مادامی که دانیال خواب را با هیجان شرح می داد! دانیال ادامه داد تا توضیح دهد که خواب به چه معناست. " سر طلایی نمایانگر شما است، پادشاه! خدای آسمان ها به شما قدرت عظیمی داده است. اما شما برای همیشه فرمانروایی نخواهی کرد. قسمت های دیگر مجسمه نمایانگر پادشاهی های دیگری است که به دنبال پادشاهی شما خواهند آمد. سنگ نمایانگر پادشاهی خدا است که بر تمامی پادشاهیهای دیگر غلبه می کند." دانیال با گفتن، " مفهوم این خواب حقیقت است زیرا خدا آن را آشکار کرده است. او می داند که در آینده چه اتفاقی می افتد." سخن خود را به پایان برد. پادشاه می بایست از تعجب به دانیال خیره شده بود.

نقطه اوج داستان

خدا به دانیال حکمت داد تا درخواست غیر منصفانه پادشاه را انجام دهد.

نتیجه

تصویر ۶- ۲ از کتاب تصاویر

نبوکد نصر پادشاه بسیار متعجب شد، او نزد دانیال تعظیم کرد و اعتراف کرد، " حقیقتاً خدای تو خدای خدایان و خداوند پادشاهان و کاشف اسرار است، زیرا تو توانستی که این راز را آشکار سازی." پادشاه محکومیت مرگ را لغو کرد و با هدایای بسیاری به دانیال پادشاه داد.

لازم نیست که درباره ی قسمتهای مختلف مجسمه به طور مفصل توضیح دهید، اما می توانید در صورت داشتن زمان کافی و بچه هایی که بزرگ هستند وقت بیشتری برای این بحث اختصاص دهید. شائد بخواهید یکی از بچه ها درباره ی قسمتهای مختلف مجسمه تحقیق بعمل آورده و به کلاس گزارش دهد. هر یک از قسمت های مجسمه به ترتیب نمایانگر یک پادشاهی زمینی می باشد. : طلا- امپراطوری بابل، نقره- امپراطوری پارس، برنز- امپراطوری یونان، آهن/خشت- امپراطوری رم (که در ابتدا مانند آهن مستحکم و در ادامه مانند خشت ضعیف و منقسم گشت) سنگی که رشد نموده و مبدل به کوهی شد نمایانگر پادشاهی خدا می باشد که به وسیله ی عیسی مسیح در بازگشتش تاسیس خواهد شد و تمامی پادشاهی های زمینی را پشت سر خواهد گذاشت.

پادشاه هدایت الهی دانیال را به رسمیت شناخت و آن را به درستی به اقتدار خدای دانیال نسبت داد. دانیال حاکم استان بابل شد. سه دوست دانیال مدیران اجرایی زیر دست او شدند.

بابل را روی نقشه نشان دهید. اجازه دهید یکی از بچه ها از یافتن آن بر روی نقشه لذت ببرد.



کارت تعلیم
کارت با تاکید تعلیم برای بچه ی نجات یافته را نشان دهید.

کارت های ببر خانه که حاوی تاکید تعلیم برای بچه ی نجات یافته و قدم های مشروح در تقلا می باشد را تهیه کنید.

او همچنین دانیال را به یک شغل مهم تر ارتقا داد همچنین دانیال درخواست کرد که سه دوست او نیز ارتقا یابند و پادشاه موافقت کرد. دانیال می بایست خوشحال می بود که با طلبیدن حکمت از خدا در خداوند قوی بود.

تقلا

اگر شما عیسی خداوند را به عنوان نجات دهنده خود می شناسید، آیا شما با طلبیدن حکمت از خدا در خداوند قوی خواهید بود؟ او آماده و قادر است تا هر زمان که شما نیاز دارید تصمیمی بگیرید یا با موقعیتی روبرو شوید به شما حکمت دهد. هرگز از طلبیدن نترسید. آیه حفظی امروز ما را به یاد بیاورید، (یعقوب ۱: ۵ را باهم تکرار کنید.) زمانی که فرزندان خدا از او طلب حکمت می کنند خدا از دادن حکمت به آنها بسیار لذت می برد کاغذی که امروز شما به خانه می برید می گوید، "وقتی که به حکمت نیاز دارید بطلبید! از خدا حکمت بطلبید، در کلام خدا و از طریق فرزندان اش به دنبال پاسخ باشید، به ایمان داشتن به این که خدا پاسخ خواهد داد ادامه دهید! در طول این هفته از این برگه برای به خاطر آوردن طلب حکمت از خدا استفاده کنید! هفته آینده شما می توانید با ما در میان بگذارید که خدا چگونه پاسخ داد.

تقلا

خدا به کسانی حکمت می دهد که او را به عنوان نجات دهنده شان می شناسند. اگر شما عیسی خداوند را به عنوان نجات دهنده خود می شناسید، کار خردمندانه ای که شما می توانید امروز انجام دهید این است که به او ایمان بیاورید! عیسی بر روی زمین آمد تا روی صلیب برای شما بمیرد، آن وقت او دوباره زنده شد تا بخشش گناهان ممکن شود. کتاب مقدس می گوید، " به خداوند عیسی مسیح ایمان آور که تو و اهل خانه ات نجات (خواهید یافت. " (اعمال ۱۶: ۳۱

ایمان آوردن به عیسی خداوند به این معنا است که به او بگویید از گناهانتان توبه کنید و به او به عنوان نمای کسی که می تواند شما را ببخشد کاملاً اطمینان می کنید. وقتی که شما این کار را انجام می دهید خدا می گوید که شما از مجازات گناه نجات خواهید یافت. آیا شما مایلید که امروز به عیسی خداوند ایمان بیاورید تا نجان یابید؟ لطفاً سرتان را خم کنید و چشم هایتان را ببندید. شما می توانید این کلمات را با من دعا کنید: " خداوند عزیز، من می دانم که گناه کرده ام و مستحق مجازات هستم. (مکث کنید) من ایمان دارم که عیسی برای من روی صلیب مرد. (مکث کنید) از تو متشکرم که عیسی مجازات من را برداشت تا من بتوانم برای همیشه از گناه نجات یابم. (مکث کنید)

درست حالا من عیسی خداوند را به عنوان نجات دهنده ام می پذیرم. (مکث کنید) تمام گناهان من را دور کن و زندگی تازه ای در درونم به من بده تا بتوانم با زندگی کردن تو را خشنود کنم. (مکث کنید) در نام عیسی. آمین



با استفاده از این روش یا روش دیگری که موثر یافته اید از بچه ها دعوت کنید تا عیسی خداوند را بپذیرند. برای آموزش های بیشتر به " چگونه می توان یک بچه را به سوی مسیح هدایت کرد" مراجعه کنید.

بین هر عبارت مکث کنید تا بچه ها بتوانند به همراه شما در سکوت دعا نمایند.

اگر شما این کلمات را با نیت دعا کردید و واقعاً در گفتن جدی بودید، آیا با ایستادن در کنار صندلی تان به من نشان خواهید داد؟ (متوجه جواب ها شوید) اگر شما آن دعا را انجام دادید، لطفاً مرا (در یک مکان و زمان تعیین شده) ملاقات کنید. من مایلم که برای چند دقیقه با شما صحبت کنم تا مطمئن شوم شما فهمیده اید که عیسی چه کاری برای شما انجام داده است.

سوالات مروری

- ۱- چرا پادشاه ستاره شناسان و ساحران خود را خواند تا به نزد او بیایند؟ او می خواست که آنها درباره خواب اش به او بگویند
- ۲- چرا ما اغلب می خواهیم کارهایی انجام دهیم که می دانیم اشتباه است؟ زیرا که با خواسته گناه کردن به دنیا آمده ایم
- ۳- شما فکر می کنید چرا پادشاه نخواست به مردان حکیم خود بگوید که خواب اش چه بود؟ او فکر کرد که اگر به آنها بگوید ممکن اسن آنها درباره دانستن مفهوم آن دروغ بگویند
- ۴- چند تصمیم که شما برای اتخاذ کردن آنها نیاز به حکمت دارید چیست؟ پیدا کردن دوستان مناسب، انتخاب کارهایی که باید انجام داد و کارهایی که نباید انجام داد، دانستن این که چطور باید مشکلات را حل کرد
- ۵- بعد از این که دانیال فهمید که پادشاه می خواهد همه مردان حکیم را بکشد چه کرد؟ او به نزد پادشاه رفت و از او درخواست زمان کرد. آن وقت با دوستان اش جمع شدند و دعا کردند، و از خدا خواستند تا خواب و مفهوم اش را به او نشان دهد
- ۶- احساس خدا در مورد وسایل طالع بینی، جادوگری، طالع بینی، بلور جادوگری یا چیزهایی مانند این چیست؟ خدا از این چیزها متنفر است این ها از شیطان هستند
- ۷- شما چطور می توانید حکمت مورد نیاز برای گرفتن تصمیم درست را بیابید؟ از خدا بخواهید، در کتاب مقدس و فرزندان او به دنبال پاسخ بگردید، به باورتان مبنی بر این که خدا پاسخ خواهد داد ادامه دهید
- ۸- پادشاه درباره چه خواب دید؟ یک مجسمه عظیم ساخته شده از طلا، نقره، برنز، آهن و خشت که به وسیله یک سنگ بزرگ تکه تکه شد
- ۹- دانیال چطور فهمید که مفهوم خواب چیست خدا به دانیال نشان داد
- ۱۰- سنگی که مجسمه را خرد کرد به منزله چه بود؟ به این معنا بود که پادشاهی خدا بر تمام پادشاهی ها غلبه خواهد کرد
- ۱۱- آیه یعقوب ۱: ۵ می گوید وقتی که ما از خدا طلب حکمت کنیم چه اتفاقی خواهد افتاد؟ او به ما حکمت خواهد داد

بازی مروری

" کلمات اسرار آمیز "
روی تخته یا کاغذ بزرگی هشت خط برای حروف کلمه ی " حکمت خدا " رسم کنید. کلمات " حکمت خدا " کلمات اسرار آمیز ما می باشند. کلاس را به دو تیم تقسیم کنید. وقتی یکی از اعضای تیم به درستی پاسخ می دهد، او می تواند یکی از حروف کلمات اسرار آمیز را حدس بزند. اگر حرف مورد نظر کاربرد ندارد، آن را کنار تخته یا برگه ی کاغذ بنویسید. ادامه دهید تا تمامی سوالات پرسیده شود یا این که کلمات اسرار آمیز آشکار شود. تیمی که آخرین حرف کلمات اسرار آمیز را اضافه کند برنده است.

۱۲- وقای که دانیال به پادشاه درباره خواب گفت چه اتفاقی در نتیجه ان افتاد؟
پادشاه پذیرفت که خدای دانیال عشیم بود. او به دانیال پاداش داد و به او مقامی بالاتر در پادشاهی داد

چشم انداز درس

متن کتاب مقدس	دانیال ۳
آیه حفظی	تثنیه ۳۱: ۶ " قوی و دلیر باشید و از ایشان ترسان و هراسان مباشید، زیرا یهوه
خدایت، خود با تو راه می رود و تو را و نخواهد گذاشت و ترک نخواهد نمود	
هدفت تعلیم	بچه نجات یافته حتی اگر مورد آزار و اذیت قرار گیرد، در این هفته با شجاعت
از خدا اطاعت خواهد کرد	
تعلیم اصلی	بدون توجه به موقعیت اطراف از خدا اطاعت کنید
تاکید برای نجات نیافتگان	عیسی را به عنوان نجات دهنده خود قبول کنید
کمکهای تصویری	تصاویر ۶ - ۱ - ۳


خطوط اصلی درس


۱ - مقدمه


برادر نگین می خواهد که او برای برادرش دروغ بگوید. نگین باید چه کاری انجام دهد؟

۲ - پیشرفت وقایع

(الف - نبوکدنصر پادشاه دستور داد که مجسمه طلایی عظیمی ساخته شود. (۳ : ۱)

ب  دستور داد که تمامی مقامات برای مراسم تبرک مجسمه بیایند، همچنین به آنها دستور داد (که برای پرستش مجسمه تعظیم کنند یا اینکه به درون تنور آتشین افکنده شوند. (۳ : ۲ - ۶)
پ - همگی به جز شدرک، میشک و عبدنغو به مجسمه تعظیم کردند و آن را پرستیدند. (۳ : ۷ - ۱۲)

ت  ماه عصبانی شد که سه مرد جوان از تعظیم کردن خودداری کردند، پس به آنها فرصت (دیگری داد تا مجسمه را بپرستند یا در درون تنور آتشین نابود شوند. (۳ : ۱۳ - ۱۵)
ث - وقتی که سه مرد جوان نپذیرفتند که تعظیم نمایند، پادشاه بسیار عصبانی دستور داد آنها را ببندند و به (درون تنور بیاندازند، او همچنین دستور داد تا تنور هفت بار بیشتر از پیش داغ شود. (۳ : ۱۶ - ۲۳)

ج  ماه نبوکدنصر به درون آتش نگاه کرد، و از دیدن چهار مرد نه سه مرد که در درون آتش (راه می رفتند، تعجب کرد. (۳ : ۲۴ - ۲۵)
چ - پادشاه سه مرد را خواند تا از آتش بیرون بیایند و دید که بدنهای شان هیچ تماسی با آتش پیدا نکرد (۳ : ۲۶ - ۲۷)

۳ - نقطه اوج داستان

پادشاه عظمت خدای حقیقی را اعلام کرد، خدایی که سه مرد جوان را نجات داد زیرا آنها با اطمینان کردن به (حفاظت خدا، شجاعانه از او پیروی کردند. (۳ : ۲۸)

۴ - نتیجه

- (الف - پادشاه دستور داد که همگی باید به خدای واحد حقیقی احترام بگذارند یا اینکه کشته شوند. (۳ : ۲۹)
(ب - پادشاه دستور داد که سه مرد جوان به مقامهای بالاتری در پادشاهی ارتقا یابند. (۳ : ۳۰)


(ت) **به نجات یافته**

(آیا بدون توجه به شرایط از خدا اطاعت خواهید کرد؟ (تثنیه ۳۱ : ۶)


(**بچه نجات نیافته**

(شما نمی توانید از خدا اطاعت کنید مگر اینکه او را قبول کنید و فرزند او شوید. (یوحنا ۱ : ۱۲)

تعلیم آیه حفظی

تثنیه ۳۱: ۶ " قوی و دلیر باشید و از ایشان ترسان و هراسان نباشید، زیرا یهوه، خدایت، خود با تو می رود و تو را و نخواهد گذاشت و ترک نخواهد نمود"

مقدمه

نسرین برای زندگی کردن به شهر دیگری رفت. به نظر می رسید که در این شهر تعداد کمی به عیسی به عنوان نجات دهنده شان ایمان داشتند. بعضی از بچه ها او را مسخره می کردند چون او یک مسیحی بود. او بسیار احساس تنهایی و ترس می کرد تا به خاطر خدا ایستادگی کند. آنوقت او وعده ای را به یاد آورد که در کتاب مقدس یاد گرفته بود. این آیه به شما نیز می تواند کمک کند، اگر که شما نیز به عیسی خداوند به عنوان نجات دهنده تان ایمان داشته باشید!

معرفی

کتاب مقدس تان را نشان دهید با این توضیح که آن کلام خدا است. آیه را از روی کتاب مقدس تان بخوانید و توضیح دهید که چطور آن را پیدا کرده اید. (اجازه دهید تا بچه ها با شما آیه را از روی آیه نمایشی بخوانند)

توضیح

قوی و دلیر باشید و از ایشان ترسان و هراسان نباشید. فرمان خدا این است که دلیر و شجاع باشید. شما نباید از کسانی که مخالف تان هستند بترسید. زیرا یهوه، خدایت، خود با تو راه می رود شما می توانید شجاع و دلیر باشید زیرا خدا - کسی که در شما زندگی می کند، همیشه با شما است. و تو را و نخواهد گذاشت و تو را ترک نخواهد کرد. شما می توانید به خدا اعتماد کنید. تا به شما قوت و جرات دهد.

کاربرد

نجات یافتگان: اگر شما قبلاً عیسی خداوند را به عنوان نجات دهنده تان پذیرفته اید، شما می توانید برای خدا بایستید. او به شما قوت و جرات خواهد داد تا آنچه که صحیح است انجام دهید.
نجات نیافتگان: خدا تنها به کسانی که عیسی خداوند را به عنوان نجات دهنده خویش پذیرفته اند وعده می دهد که برای ایستادن برای خدا به آنها قوت می دهد و آنها را یاری خواهد کرد. اگر شما هرگز عیسی خداوند را نپذیرفته اید شما می توانید امروز این کار را انجام دهید. ما درباره آن بعداً صحبت می کنیم.

تکرار

آیه بر روی طناب آیه را به پنج عبارت تقسیم کنید. هر عبارت را روی یک تکه کاغذ بنویسید. از گیره استفاده کنید و قسمت های آیه را به شکل نامرتب

قرار دهید و یک داوطلب را انتخاب کنید تا عبارات آیه را به ترتیب قرار دهد. آیه را تکرار کنید و داوطلب دیگری انتخاب کنید و ادامه دهید.

درس مقدمه

برادر نگین با دوستان نوجوان اش از خانه بیرون می رفت. " کجا می روی؟" نگین پرسید. ما به تماشای یک فیلم سینمایی ترسناک می رویم،" او جواب داد، " اما اگر مادر پرسید، به او بگو که من به کتابخانه رفته ام تا مطالعه کنم." اما گفتن آن دروغ خواهد بود و خدا می گوید که ان اشتباه است، نگین جواب می دهد. برادرش اخم می کند. " تو آنچه را که من به تو می گویم خواهی گفت یا این که دوچرخه تو تصادفاً زیر ماشین من خواهد رفت!" نگین باید چه کار کند؟ (درباره انتخاب ها و احساسات نگین بحث کنید) آیا شما تا به حال تحت فشار قرار گرفته اید که کار اشتباهی انجام دهید؟ سه مرد جوان در کتاب مقدس بودند که توسط یک پادشاه قدرتمند ملزم شدند که در خلاف آنچه خدا می گوید عمل کنند یا این که بمیرند! آنها تصمیم گرفتند که چه کار کنند؟

پیشرفت وقایع

تصویر ۱- ۶ از کتاب تصاویر

نبوکد نصر پادشاه حاکم نیرومند امپراطوری بابل، کشورهای زیادی را که شامل سرزمین یهودیان نیز می شد مغلوب کرده بود. او می خواست همه این قوم های مغلوب را جمع کند و به آنها نشان دهد که چه قدر عظیم است و آنها را مجبور کند تا به او مانند خدایان اش احترام بگذارند. شاید او از خوابی که دانیال برای او تعبیر کرد الهام گرفت، او تصمیم گرفت تا برای مردم مجسمه عظیمی بسازد تا آن را ببرستند. کارگران مجسمه ای ساختند که ۹۰ پا ارتفاع و ۹ پا عرض داشت و آن را با طلا پوشاندند. آنها مجسمه را در وسط یک محوطه پهن و بدون درخت که میدان نامیده می شد برپا داشتند. وقتی که مردم به آن نگاه کردند آنها می بایست از خود می پرسیدند که مجسمه برای چه منظور بنا شده است؟ چرا پادشاه چنین مجسمه بزرگی می خواهد؟ پادشاه پیغام رسانانی با کرنا فرستاد تا مردم را برای جمع شدن فرا بخوانند. آنها اعلام کردند که " تمامی مقامات حکومتی از هر قسمت امپراطوری دستور یافته اند که در مراسم تبرک مجسمه ظاهر شوند. دستور به تمام حکام ایالت ها رسید. بخ رودی افراد مهم دور مجسمه طلایی درخشان جمع شدند. در جمعیت مردم دوستان دانیال، شدرک، میشک و عبد نغو نیز ایستاده بودند. آنها در بابل اسیر بودند ولی مقام های مهمی در پادشاهی داشتند، اما آنها به خدایان بابل ایمان نداشتند. آنها خدای واحد حقیقی را می شناختند، خدایی که آسمان و زمین را ساخت

آیا شما خدای واحد حقیقی را می شناسید؟ او کسی است که شما و مرا ساخت همانطور که همه چیز را ساخت. چون شما خلقت مخصوص خدا هستید، خدا شما را بسیار دوست دارد.

بچه ها از مشخص کردن بابل بر روی نقشه لذت خواهند برد.

بلندی مجسمه را با بلندی یک ساختمان هشت طبقه یا چیزی که در همسایگی شما قرار دارد مقایسه نمایید.

بچه های پیش دبستانی می توانند وانمود کنند که کرنا می نوازند.

کتاب مقدس نمی گوید که چرا دانیال در آنجا حاضر نبود. شاید او برای انجام تجارتی برای پادشاه در سفر بود.



از آنجا که این درس بر رشد مسیحی متمرکز است، پیغام نجات خلاصه شده است، شما می‌توانید دذر زمان دیگری از ساعت کلاس بر تعلیم انجیل تاکید نمایید

کتاب مقدس می‌گوید، "خدا جهان را بسیار محبت نمودگ (یوحنا ۳: ۱۶). آیه به شما اشاره می‌کند! خدا می‌خواهد که شما روزی با او در آسمان باشید. اما گناهان شما، شما را از خدا جدا نگه می‌دارد، خدایی که مقدس و پاک است. گناه خواستن راههای خودتان به جای راه خداست. کتاب مقدس (می‌گوید، "هر یکی به راه خود برگشته بود" (اشعیا ۵۳: ۶)

پسرها و دخترها چه کارهایی را به روش خودشان انجام می‌دهند؟ (اجازه دهید بچه‌ها مثال بزنند.) خدا می‌گوید که مجازات گناه جدایی ابدی از او در یک مکان تاریک مجازات است. هرچند که شما مستحق مجازات به خاطر گناهتان هستید، محبت خدا برای شما بسیار عظیم است چون او راهی برای بخشیده شدن گناهتان ساخت. خدای پسر، عیسی مسیح خداوند، از خانه اش در آسمان به زمین آمد. او یک زندگی کامل، بدون گناه را زیست کرد، آنگاه به خاطر نقشه خدا، راغبانه بر روی صلیب خون اش ریخت و مرد تا بهای گناه شما را بپردازد. کتاب مقدس می‌گوید، "بدون ریختن خون، آمرزش نیست"

عبرانیان ۹: ۲۲) عیسی خداوند مجازاتی را که شما برای گناه مستحق (بودید بر خودش گرفت تا شما بتوانید بخشیده شوید. بعد از این که عیسی مرد، او دفن شد، سه روز بعد او دوباره زنده شد و توسط افراد زیادی روی زمین دیده شد، بعد به آسمان جایی که او در آنجا امروز زنده است، برگشت. او وعده‌ی دهد که اگر شما او را بپذیرید، او گناه شما را خواهد بخشید و شما را فرزند خدا خواهد ساخت. عیسی خدای واحد حقیقی است و او می‌خواهد شما او را بشناسید

شدرک، میشک و عبد نغو خدای واحد حقیقی را که آسمان و زمین را ساخت، می‌شناختند. آنها به او ایمان داشتند و تنها او را پرستش می‌کردند. آنها همراه بقیه جمعیت دور مجسمه طلایی حلقه زدند و به آرامی منتظر شدند تا ببینند که چه اتفاقی خواهد افتاد

تصویر ۲-۳ از کتاب تصاویر

نوازندگان پادشاه در جای هایشان قرار گرفتند و کرنا نوازان زیر بوق هایشان قرار گرفتند. پیغام رسان پادشاه به صدای بلند شروع به خواندن کرد: "این فرمانی به همه شما مردمان تمامی قوم‌ها و زبان‌ها می‌باشد! وقتی که صدای ازارهای موسیقی را شنیدید، باید سجده کنید و مجسمه طلایی را که پادشاه نبوکد نصر بپا کرده است بپرستید

شدرک، میشک و عبد نغو می‌بایست با نگرانی به هم نگاه کرده بودند. "ما هرگز نمی‌توانیم مقابل این مجسمه سجده کنیم!" آنها ممکن است زمزمه کرده بودند. "خدا دستور داده است که ما تنها او را بپرستیم." آنها وقتی که پیغام رسان به خواندن دستورات پادشاه

ادامه داد ساکت شدند: هر کسی که سجده نکند و مجسمه را پرستش ننماید باید فوراً به درون تنور آتش سوزاننده افکنده شود

مردان جوان احتمالاً به تنور نگاهی انداختند، تنوری بزرگ که برای پختن آجر از آن استفاده می‌شد. آتش در درون تنور در اهتزاز بود و دود آن از دهنه تنور به بیرون می‌آمد. نبوکد نصر پادشاه به نوازندگان دستور داد که

مادامی که که کرنا نواخته می‌شود بچه‌های پیش دبستانی می‌توانند وانمود کنند که در این صحنه حضور دارند

شما می‌توانید کلمات مزبور را روی کارتی نوشته و به یکی از بچه‌ها اجازه دهید که وانمود کنند که پیغام رسان می‌باشد. بچه‌ها نیاز به مشارکت در چنین فعالیت‌های پر جنب و جوشی دارند

بنوازند. وقتی که صدای ابزارهای موسیقی در تمامی میدان منعکس شد، جمعیت عشیمی که دور مجسمه حلقه زده بودند به زمین افتادند تا مجسمه را بپرستند. تقریباً همه به روی زمین افتادند. شدرک، میشک و عبد نغو شجاعانه به ایستادن ادامه دادند و از پرستش مجسمه امتناع ورزیدند.

تصویر ۳-۳ از کتاب تصاویر

مشاوران پادشاه که به خدای زنده حقیقی ایمان نداشتند وقتی که دیدند این مردان همچنان ایستاده اند عصبانی شدند و به پادشاه گفتند: " بعضی از یهودیان که شما آنها را به پست های مهمی گماشته اید از شما اطاعت نکرده اند! " آنها ادعا کردند. " ایشان شما را نادیده گرفته اند. آنها به خدایان شما خدمت نمی کنند و مجسمه طلایی را که شما برپا کرده اید، نمی پرستند. " انبوکد نصر بسیار خشمگین بود! او فریاد زد، " آنها را نزد من بیاورید. پادشاه در حالی که با عصبانیت به مردان نگاه می کرد، گفت، " موسیقی دوباره نواخته شد. اگر شما سجده کنید در امان خواهید ماند، ولی اگر سجده نکنید فوراً به درون تنور آتش افکنده خواهید شد. خدا کیست که باید قادر باشد شما را از دستان من نجات دهد؟ " پادشاه عبوسانه پرسید. پادشاه با ایمان آنها به خدا دست و پنجه نرم می کرد. این موقعیت خطرناکی برای سه مرد جوان بود. آنها مورد آزار قرار می گرفتند- به خاطر عقایدشان مجبور به رنج کشیدن بودند. آنها نیاز داشتند که خدا به آنها جرات دهد تا برای او بایستند.

گر شما فرزند خدا هستید، خدا می تواند به شما جرات دهد تا بدون توجه به موقعیت و شرایط برای او بایستید. اما تصمیم گرفتن برای ایستادن برای خدا ممکن است آزار و اذیت به همراه داشته باشد.

آیا تا به حال به خاطر ایمانتان به خدا مسخره شده اید یا به مبارزه طلبیده شده اید؟ شاید شما دوستانی دارید که شما را مسخره می کنند زیرا شما از نگاه کردن به فیلم ها یا گوش دادن به موسیقی که می دانید موجب ناخشنودی خدا می شود امتناع می کنید، شاید شما در مدرسه به خاطر عقیده تان که خدا جهان را آفریده است به مبارزه طلبیده می شوید و تحت فشار قرار می گیرید تا موافقت کنید که چیزها فقط از هیچ تکامل یافته اند. یا شاید شما تشویق می شوید که به " راهنمایان درونی " که می گویند شما خدای خود هستید و قدرت دارید که هر کاری انجام دهید، گوش دهید. هر چند که شما می دانید اینها حقیقت ندارند، ولی ایستادن در مقابل آنها می تواند خیلی سخت باشد. ممکن است که به شما خندیده شود، دوستانتان شما را طرد کنند یا حتی نمره پایین تری بگیرند. کتاب مقدس می گوید که به عنوان فرزند خدا شما می توانید توقع داشته باشید که به خاطر عقایدتان (مورد آزار و اذیت قرار گیرید). (دوم تیموتائوس ۳: ۱۲) را بخوانید اما خدا می تواند به شما کمک کند تا محترمانه ولی محکم از همراهی کردن دیگران امتناع کنید. خدا می تواند به شما جرات دهد تا برای او بایستید.

شدرک، میشک و عبد نغو نیاز داشتند که خدا به آنها جرات دهد تا برای او بایستند.



کارت تعلیم

کارت با تاکید تعلیم برای بچه ی نجات یافته را نشان دهید: بدون توجه به شرایط اطراف از خدا اطاعت کنید.

برای اینکه نشان دهید مسیحیان مورد آزار و اذیت قرار می گیرند یا به مقابله دعوت می شوند از مثال هایی استفاده نمایید که برای بچه های مورد تعلیم شما قابل درک می باشد.

اجازه دهید یکی از بچه ها سخنان شجاعانه
ی سه مرد جوان را تکرار نماید. بچه ها
از به زبان آوردن افکار و حقایق بهره مند
خواهند شد.

هفت انگشت دستتان را بالا بگیرید و از
بچه های پیش دبستانی بخواهید تا به همراه
شما تا هفت بشمارند.

نفر چهارم که پادشاه به ان به عنوان "
پسر خدایان" اشاره کرد، عموماً اعتقاد
بر این است که ظهور عیسی مسیح خداوند
پیش از لباس جسم پوشیدنش می باشد یا این
که یکی از فرشتگان خدا می باشد که به نحو
مخصوصی برای این کار مقرر شده بود.



کارت تعلیم

کارت با تاکید تعلیم برای بچه ی نجات یافته
را نشان دهید.

می رفت که آنها مورد آزار قرار گیرند- به خاطر عقایدشان رنج ببرند. آنها
در خطر عظیمی قرار داشتند! اما مردان جوان شجاعانه پاسخ دادند، " خدای
ما، کسی که ما او را خدمت می کنیم، قادر است تا ما را از تنور آتش نجات
دهد، و او ما را از دستان تو نجات خواهد داد. و اگر نه، تو را معلوم باد، ای
پادشاه که ما خدایان تو را خدمت نخواهیم کرد، و مجسمه طلایی که تو بر پا
کرده ای را نخواهیم پرستید

آنها می توانستند در خداوند قوی باشند زیرا یقین داشتند که خدا قدرت دارد
آنها را از آتش نجات دهد. اما حتی اگر خدا تصمیم می گرفت که این کار را
نکند، این مردان جوان مایل بودند تا برای خدا بایستند و به او اطمینان کنند
تا آنچه برای آنها بهترین بود، توسط خدا انجام شود. پادشاه به خاطر حرف
های مردان جوان بسیار خشمگین بود. " تنور را هفت مرتبه داغ تر کنید!"
پادشاه دستور داد

تصویر ۴- ۳ از کتاب تصاویر

وقتی که تنور از گرمای شدید آتش زبانه می کشید، نیوکر نصر قوی ترین
سربازان خود را خواند. " این مردان را ببندید"، او دستور داد، " و آنها را
!"به درون تنور پرت کنید

سربازان سه مرد جوان را بستند و شروع به کشیدن آنها به سوی تنور کردند،
اما گرما بسیار شدید بود که باعث کشته شدن فوری سربازان شد! شدرک،
میشک و عبدنغو به درون تنور افتادند، شعله های سوزاننده به دور آنها به
بالا می رفت. پادشاه به در تنور خیره شد با این توقع که بدن های آنها را در
میان ببیند. اما در کمال تعجب او دید که مردان جوان باز شده اند و در درون
!شعله ها راه می روند! و شخصی دیگر با آنها در انجا بود

تصویر ۵- ۳ از کتاب تصاویر

نگاه کنید! پادشاه فریاد زد. " من چهار مرد را می بینم، آنها آسیب ندیده "
اند، چهارمی مانند پسر خدایان است!" مرد چهارمی که در تنور به همراه
سه مرد جوان بود، که بود؟ (اجازه دهید بچه ها پاسخ دهند.) مرد چهارم
ممکن است که خود عیسی خداوند بود یا فرشته ای از طرف خدا بود که برای
حفاظت نمودن از این مردان جوان فرستاده شده بود. خدا آنها را از آسیب
دیدن محافظت کرد و به آنها جرات داده بود تا برای او بایستند

اگر شما فرزند خدا هستید، خدا می تواند به شما جرات دهد تا بدون توجه
به موقعیت و شرایط برای او بایستید، ممکن است شما با آزار و اذیت روبه
رو شوید، اما خدا با شما خواهد بود و به شما کمک خواهد کرد تا برای او
بایستید. وقتی که شما می ترسید تا برای خدا بایستید، وعده او به شما را
در آیه حفظی امروز به یاد بیاورید. (تثنیه ۳۱: ۶ را با هم تکرار کنید.)
در خداوند قوی باشید! خدا هرگز شما را ترک نخواهد کرد. او یاور شما
است. از خداوند بخواهید به شما جرات دهد تا درباره آنچه که می دانید
درست است صحبت کنید و از انجام دادن آنچه که می دانید اشتباه است
امتناع کنید

وقتی که دوستانتان از شما می خواهند که فیلم هایی را تماشا کنید یا به موسیقی گوش دهید که خدا را ناخشنود می سازد، وعده خدا را به یاد آورید و از او بخواهید تا به شما کمک کند تا درباره خدای آفریننده صحبت کنید.

وقتی که کسی شما را تشویق می کند که اجازه دهید " راهنماهای درونی " با شما صحبت کنند یا به خودتان بگویید که شما یک خدا هستید، وعده خدا را به یاد بیاورید و از او بخواهید تا به شما کمک کند این دروغ ها را رد کنید. خدا به شما کمک خواهد کرد تا بدانید که در چنین موقعیت هایی چه انجام دهید. شاید شما بتوانید فیلم ها یا موسیقی دیگری به دوستان پیشنهاد کنید. ممکن است که شما با معلم تان درباره عقیده تان به پیدایش صحبت کنید. شاید والدین تان بتوانند اجازه بخواهند که شما در فعالیت دیگری شرکت کنید مادامی که کلاس فعالیتی انجام می دهد که بر خلاف عقاید شما است.

اگر شما نمی توانید از چنین فعالیت هایی دوری کنید، زمان را برای دعا کردن صرف کنید از خدا بخواهید تا فکر شما را از عقاید اشتباه محافظت کند و به شما کمک کند تا در عوض به کلام او فکر کنید. کتاب مقدس می گوید شما می توانید " در خداوند و در توانایی او زور آور شوید " (افسسیان ۶: ۱۰). خدا با شما است تا شما را محافظت کند و به شما جرات دهد تا برتی او بایستید.

خدا با سه مرد جوان در تنور بود تا از آنها محافظت نماید و به آنها جرات دهد تا برای او بایستند. چقدر پادشاه متعجب بود وقتی که دید مردان جوان آسیبی ندیده اند و مرد چهارمی با آنها در حال راه رفتی است! با نزدیک تر شدن به تنور، پادشاه می توانست گرمای شدید را احساس کند وقتی که او فریاد زد، " شدرک، میشک، عبد نغو، ای بندگان خدای تعالی بیرون به اینجا آید! " تصویر ۶-۳ از کتاب تصاویر

مشاوران پادشاه جمع شدند تا این مردان جوان را که در تنور بودند اما به آنها آسیبی نرسیده بود ببینند. طناب ها سوخته بود ولی آتش هیچ اثری بر لباس ها و موهای ایشان باقی نگذارده بود. آنها حتی بوی دود نیز نمی دادند

برای افزودن بر تاکید، شیئی را که دود می کند به کلاس بیاورید و به بچه ها بدهید تا آن را دست به دست نمایند. این کار به بچه ها کمک می کند تا از خدا به خاطر این معجزه تشکر کنند.

نقطه اوج داستان

پادشاه عظمت خدای واحد حقیقی را اعلام کرد، خدایی که مردان جوان را نجات داده بود زیرا آنها شجاعانه برای او ایستادند و به محافظت خدا اطمینان کرده بودند.

هر چند که پادشاه خدای اسرائیل را که واقعا " معجزه ای انجام داده بود و از مردان جوان محافظت نموده بود به رسمیت شناخت اما او را به عنوان خدای شخص خودش نشناخت.

نتیجه

آنوقت پادشاه دستور جدید صادر کرد مبنی بر این که اگر کسی بر ضد خدای زنده و حقیقی صحبت کند باید کشته شود. شدرک، میشک و عبد نغو حتی به پیت های بالاتری در پادشاهی ارتقا یافتند. چقدر آنها می بایست سپاسگزار بودند زیرا خدا به آنها جرات داده بود تا قوی باشند و برای او بایستند

تقلا



کارت تعلیم

کارت با تاکید تعلیم برای بچه های نجات یافته را نشان دهید

کارت های ببر خانه که حاوی تاکید تعلیم برای بچه ی نجات یافته می باشد را تهیه نموده و به بچه ها بدهید تا به منزل ببرند

همچنین خدا می تواند به شما جرات بدهد تا قوی باشید و برای او بایستید. اگر شما فرزند خدا هستید، آیا شما در این هفته برای خدا خواهید ایستاد، بدون توجه به این که چه اتفاقی خواهد افتاد؟ اگر شما مورد تمسخر قرار می گیرد، به خاطر اعتقاداتان به خدا به مبارزه طلبیده می شود یا از شما خواسته می شود کاری انجام دهید که خدا را خشنود خواهد کرد، وعده (خدا در تثیبه ۳۱: ۶ را به یاد بیاورید). (آیه را باهم تکرار کنید

به یاد بیاورید که خدا با شما است و از او بخواهید تا به شما جرات دهد درباره چیزی که می دانید درست است صحبت کنید و از انجام دادن کار اشتباه امتناع کنید

برگه به خانه - ببر می گوید، " برای خدا بایست، بی توجه به این که چه اتفاقی خواهد افتاد." این برگه را جایی قرار دهید تا هر روز آن را ببینید تا به شما کمک کند که به یاد بیاورید برای خدا بایستید. هفته آینده می توانید با ما در میان بگذارید که خدا چطور به شما جرات داد که برای او بایستید

دعوت



با استفاده از این روش یا روش دیگری که موثر یافته اید از بچه ها دعوت کنید تا عیسی خداوند را بپذیرند. برای آموزش های بیشتر به مبحث " چگونه می توان یک نفر را به سوی مسیح هدایت کرد" مراجعه کنید.

اگر تا به حال عیسی را به عنوان نجات دهنده تان نپذیرفته اید، شما نمی توانید ادعا کنید که وعده خدا با شما است مبنی بر این که خدا به شما کمک خواهد کرد تا برای او بایستید. اما اگر شما به خدا اعتراف کنید که گناهکارید و در قلبتان ایمان بیاورید که عیسی برای شما مرد، می توانید امروز او را بپذیرید! کتاب مقدس می گوید، " و اما به آن کسانی که او را قبول کردند قدرت داد تا فرزندان خدا گردند، یعنی به هر کس که به اسم او ایمان بیاورد" (یوحنا ۱: ۱۲) پذیرفتن عیسی یعنی ایمان آوردن (کاملاً اعتماد کردن) به عیسی خداوند، کسی که بر روی صلیب برای شما مرد تا مجازات شما را بردارد، دوباره زنده شد تا تنها راه بخشیده شدن گناهان شما را فراهم کند. همچنین به این معناست که تنها به عیسی خداوند به عنوان نجات دهنده خود اطمینان کنید. وقتی که شما این کار را انجام می دهید، خدا این قدرت (حق، اجازه) را به شما می دهد تا فرزندان او شوید. شما می توانید درست حالا با پذیرفتن عیسی خداوند به عنوان نجات دهنده تان از گناهتان توبه کنید

لطفاً سرتان را خم کنید و چشمانتان را ببندید. اگر مایلید که عیسی خداوند را بپذیرید و فرزند خدا شوید، آیه با نگاه کردن به من آن را به من نشان خواهید داد؟ (متوجه جواب ها شوید) اگر شما به بالا نگاه کردید تا به من نشان دهید که می خواهید عیسی خداوند را بپذیرید، مايلم که مرا (در مکان و زمان تعیین شده) ملاقات کنید تا بتوانم از روی کلام خدا به شما نشان دهم که چطور می توانید او را قبول کنید و فرزند خدا شوید

بسیار کارت کاغذی تهیه کرده و کلمه ی "خنثی" را بر پشت آنها با خط درشت بنویسید. پشت شانزده عدد از کارتها امتیازات متفاوتی را بنویسید. بر پشت چهار کارت باقیمانده کلمه ی "خنثی" را بنویسید. کارتها را بر روی زمین رو به پایین قرار دهید. کلاس را به تیم تقسیم کنید و به نوبت از ایشان سوال نمایید. هر گاه بچه ای به سوالی به درستی پاسخ می دهد می تواند یکی از کارت ها را بردارد. اگر کارت مورد نظر حاوی امتیاز باشد، امتیاز به حساب تیم مزبور ریخته می شود ولی اگر کارت "خنثی" باشد هیچ امتیازی به آن تیم داده نمی شود. در پایان تیمی که بیشترین امتیاز را کسب می کند برنده است.

سوالات مروری

- ۱- چرا نبوکد نصر پادشاه دستور داد تا آن مجسمه عظیم ساخته شود؟
او می خواست تا مردم آن را بپرستند
- ۲- شدرک، میشک و عبد نغو به چه خدایی ایمان داشتند؟
خدای واحد حقیقی که آسمان و زمین را ساخت
- ۳- چرا خدا راهی ساخت تا گناهان شما بخشیده شود؟
زیرا که او شما را بسیار دوست داشت
- ۴- برای خر کسی که سجده نمی کرد و مجسمه را نمی پرستید چه اتفاقی می افتاد؟
او در تنور آتش افکنده می شد
- ۵- چرا شدرک، میشک و عبد نغو مجسمه را نپرستیدند؟
خدا به آنها دستور داده بود تا تنها او را بپرستند
- ۶- چه وقتی ممکن است که شما نیاز به جرات داشته باشید تا برای خدا بایستید؟
وقتی که کسی می خواهد شما کاری انجام دهد یا چیزی را باور کنید که شما می دانید اشتباه است. جواب ها متفاوت خواهد بود
- ۷- مردان جوان به پادشاه چه گفتند وقتی که او به آنها گفت که باید مجسمه را بپرستند یا این که به درون تنور آتش افکنده شوند؟
خدا قادر بود که آنها را نجات دهد، ولی حتی اگر خدا این کار را نمی کرد آنها مجسمه را نمی پرستیدند
- ۸- چه اتفاقی برای سربازانی که شدرک میشک و عبد نغو را بستند و آنها را به درون آتش افکندند افتاد؟
آنها به وسیله آتش کشته شدند
- ۹- بعد از این که مردان جوان به درون آتش افکنده شدند چه چیزی نبوکد نصر پادشاه را متعجب ساخت؟
او می توانست چهار مرد را به جای سه مرد در تنور ببیند، و آن مردان بسته نشده بودند و آسیبی ندیده بودند
- ۱۰- اگر شما فرزند خدا هستید، همیشه می توانید به چه وعده ای در آیه حفظی امروز تکیه کنید؟
خدا همیشه با شما خواهد بود
- ۱۱- آتش چه تاثیری بر روی لباس ها و موی مردان جوان گذاشت؟
هیچ- آنها حتی بوی دود هم نمی دادند
- ۱۲- پادشاه چه دستور جدیدی داد؟
هر کسی که بر ضد خدای زنده و حقیقی صحبت کند کشته خواهد شد

چشم انداز درس


متن کتاب مقدس	دانیال ۴
آیه حفظی	اول پطرس ۵ : ۵ " همه با یکدیگر فروتنی را بر خود ببندیر زیرا
هدف تعلیم	" خدا با متکبران مقاومت می کند و فروتنان را فیض می بخشد
بستاید و او را جلال می دهد	بچه نجات یافته افکار متکبرانہ را رد می کند و در عوض خدا را می
تعلیم اصلی	اعتباری را که خدا شایسته آن است به او بدهید
تاکید برای نجات نیافتگان	به عیسی خداوند به عنوان نجات دهنده تان ایمان بیاورید
کمکهای تصویری	تصاویر ۶ - ۱ - ۴


خطوط اصلی درس


۱ - مقدمه

کسب یک افتخار مخصوص هیجان انگیز است. اما اگر شما دائماً " به دوستانان یاد آوری کنید که چنین افتخاری را کسب کرده اید، آنها چطور فکر می کنند؟

۲ - پیشرفت وقایع

- الف  نیوکدنصر پادشاه پیغامی برای تمامی مردمان نوشت، با این شهادت که خدای زنده و حقیقی (عظیم و قدرتمند است و بر همه سلطنت می کند. (۴ : ۱ - ۳
- ب - پادشاه خواب آزار دهنده ای دید و تمامی مردان حکیم خود را احضار کرد تا بیابند و آن را تعبیر کنند (۴ : ۴ - ۶)
- پ - مردان حکیم بابل نتوانستند آن خواب را تعبیر کنند. (۴ : ۷)
- ت - دانیال به حضور پادشاه آمد و از او خواسته شد که خواب را تعبیر کند. (۴ : ۸ - ۹)
- ث - پادشاه خواب اش را برای دانیال شرح داد. (۴ : ۱۰ - ۱۸)
- ج - با کمک خدا، دانیال خواب را تعبیر کرد، خواب در این باره بود که چگونه غرور خودخواهانه پادشاه (رنج عظیمی را برای او باعث خواهد شد. (۴ : ۱۹ - ۲۶)

چ  ل به پادشاه اصرار کرد که گناه اش را اعتراف کند و آنچه را که درست است انجام دهد. (۴ : ۲۷)

- د  ک سال بعد، پادشاه همچنان به کارهایی که انجام داده بود پز می داد. (۴ : ۲۸ - ۳۰)
- خ - هشدار خدا از طریق خواب به واقعیت پیوست، پادشاه عقل و پادشاهی خود را برای هفت سال از دست داد. (۴ : ۳۱ - ۳۳)
- د - در آخر پادشاه به خدا در بالا نگران کرد و بیماری وحشتناک اش رفع شد. (۴ : ۳۴)

۳ - نقطه اوج داستان

(پادشاه فروتن شده خدا را ستایش کرد و او را متبارک خواند! (۴ : ۳۴ - ۳۵

۴ - نتیجه

الف- خدا دوباره پادشاهی را به نبوکدنصر برگرداند، نبوکدنصر دوباره مورد احترام دیگران قرار گرفت (۴ : ۳۶)

ب - پادشاه خدا را ستایش کرد، و به دیگران گفت که چه چیرفته بود. (۴ : ۳۷

چه نجات یافته

آیا شما افکار متکبرانه را رد خواهی کرد و اعتباری را که خدا شایسته آن است به او خواهی داد؟ (اول پطرس ۵ : ۵)

بچه نجات نیافته

(به عیسی خداوند به عنوان نجات دهنده خویش ایمان بیاور. (یوحنا ۳ : ۱۶

تعلیم آیه حفظی

همه با یکدیگر فروتنی را با خود ببندید زیرا خدا با متکبران مقاومت ... "

"می کند و فروتنان را فیض می بخشد"

مقدمه

من می خواهم کلماتی را بگویم. ببینید که آیا شما می توانید کلماتی را که متضاد هر کلمه است را بگویید. (کلمات را بگویید و اجازه دهید تا بچه ها کلمات متضاد را بگویند

تند] آرام]، بالا [پایین]، بلند قد [کوتاه قد]، شروع [پایان]، درون [بیرون]، بسیار مغرور [فروتن]، در صورت نیاز راهنمایی کنید.) ما زیاد درباره فروتن بودن صحبت نمی کنیم اما خدا چیزهای مهمی برای گفتن درباره آن دارد.

معرفی

کتاب مقدس تان را نشان دهید با این توضیح که آن کلام خدا است. آیه را (از روی کتاب مقدس تان بخوانید و توضیح دهید که چطور آن را فهمیده اید، (اجازه دهید که بچه ها آیه را از روی آیه نمایی با شما بخوانند

توضیح

همه با یکدیگر فروتنی را با خود ببندید- همواره این طرز تفکر را داشته باشید که شما آنچه هستید که خدا شما را آفریده است. نباید درباره خودتان بهتر از آنچه که هستید فکر کنید. در نظر خدا هیچ کس بهتر از دیگری نیست. زیرا خدا با متکبران مقاومت می کند- خدا بر ضد کسانی است که خودشان را بالاتر از آنچه که هستند می پندارند. و فروتنان را فیض می بخشد- در عوض خدا از کسانی که طرز افکار فروتنانه ای دارند مراقبت ویژه ای به عمل می آورد

کاربرد

نجات یافتگان: اگر شما به عیسی ایمان آورده اید، اجازه ندهید که افکار و طرز تفکرات مغرورانه خود را در ذهنتان پنهان کنند. خدا شما را آنطور که هستید ساخت، پس برای خدا چنان اعتباری را قائل شوید که در زندگی شما شایسته است

نجات نیافتگان: حتی اگر شما به عیسی به عنوان نجات دهنده تان ایمان نیاورده اید، خدا شما را دوست دارد. او شما را درست آنطور که هستید آفرید. او همه چیز را درباره شما می داند و می خواهد که شما به پسر او عیسی خداوند ایمان بیاورید. امروز ما درباره این مسئله در طول درس کتاب مقدس بیشتر صحبت خواهیم کرد

تکرار: معلم می گوید

اجازه دهید بچه ها آیه را مادامی که هر علامت های شما پیروی می کنند، (تکرار کنند

"برای مثال" معلم می گوید، دستتان را روی سرتان بگذارید
فعالیت ها باید ساده باشد تا بچه ها در طول تکرار کلمه ها درباره آنها فکر
کنند.

دیگر مثال ها: سرتان را نوازش کنید، در جا قدم رو بروید، دست بزنید،
(چشمانتان را ببندید، سرتان را بالا و پایین کنید، روی یک پا بایستید)

درس

مقدمه

دریافت یک افتخار مخصوص به خاطر خوب انجام دادن کاری هیجان انگیز
است، این طور نیست؟

شاید شما بیشترین امتیاز را در یک بازی فوتبال کسب کنید. اما اگر شما
دائماً به دوستانتان یادآوری کنید که شما برنده شده اید و هیچ کس دیگر نمی
توانست مانند شما آن را انجام دهد، ایشان درباره شما چه فکر می کنند؟
(اجازه دهید تا بچه ها نظرشان را بگویند)

کتاب مقدس می گوید پادشاهی وجود داشت که بسیار مغرور بود و درباره
هر آنچه که انجام می داد فخر می کرد. او به طریقی غیر معمول آموخت که
!خدا درباره غرور چطور فکر می کند

پیشرفت وقایع

تصویر ۱- ۴ از کتاب تصاویر

سال های زیادی از زمانی که خدا سه دوست دانیال را از تنور آتش نجات
داد گذشت. روزی نبوکد نصر پادشاه پیغام مخصوصی نوشت و آن را برای
تمامی مردم در سراسر امپراطوری او با گفتن، " من فکر کردم که نیکو
است که نشانه ها و عجایبی را که خدای متعال برای من انجام داده است را
نشان دهم." شروع کرد. به واسطه تجربه دانیال و دوستان اش و همچنین به
واسطه تجارب خودش، پادشاه متوجه قدرت خدای دانیال شد. ا. می خواست
مردم بدانند که خدای زنده حقیقت عظیم و قادر است و تا ابد بر همه چیز
!فرمانروایی می کند

این خدای عظیم و قادر کسی است که همه چیز- کوهها، رودها، ستارگان
و آسمان را آفرید. او همچنین کسی است که شما را بسیار بیشتر از آنچه
هر کس دیگری می تواند، دوست دارد. او شما را به رغم گناهتان دوست
دارد- گناهتان کارهای اشتباهی هستند که شما انجام می دهید و احکام اش
می شکنید. خدا می گوید، " نیکو کاری نیست یکی هم نی" (رومیان ۳:
۱۲). شما با تمایل گناه کردن به دنیا آمده اید. (درباره مثال هایی از گناه
بحث کنید که بچه ها ممکن است آنها را انجام دهند). شما مستحق هستید
تا برای گناه مجازات شوید این مجازات جدایی ابدی از خدا در یک مکان
بسیار بد مجازات است. اما خدا پسر بی گناه خود را به جای شما مجازات
کرد. عیسی مسیح خداوند بی گناه را غایب روی صلیب با دادن خون حیات
اش برای شما مرد



از آنجا که تمرکز این درس بر رشد مسیحی
قرار دارد، پیام نجات خلاصه شده است شما
می توانید در زمان دیگری از ساعت کلاس
بر معرفی انجیل تاکید کنید

زیرا که او می دانست که این تنها راهی بود که شما می توانستید بخشیده شوید. کتاب مقدس می گوید، " خون پسر او عیسی مسیح ما را از هر گناه (پاک می سازد" (اول یوحنا ۱: ۷

بعد از این که عیسی مرد او دفن شد و پس از سه روز دوباره زنده شد. اگر شما به او به عنوان نجات دهنده تان ایمان بیاورید، و از او بخواهید که گناهتان را ببخشد، او شما را از مجازاتی که مستحق آن بودید آزاد می سازد و به شما زندگی جاودانی که تا به ابد دوام خواهد داشت خواهد داد. آنها خدای زنده و حقیقی آنقدر عظیم و قادر است که این کار را برای شما انجام دهد.

نبوکد نصر پادشاه می خواست مردم بدانند که خدای زنده و حقیقی عشیم و قادر فرمانروای همه چیز است.

تصویر ۲-۴ از کتاب تصاویر

پادشاه این درس را به طریقه سختی آموخته بود! تمام این چیزها با یک خواب آغاز شد که او را ترساند! این دومین بار بود که پادشاه به وسیله خواب در درس افتاده بود.

او فوراً دستور داد که تمامی مردان دانا در پادشاهی او اعم از جادوگران، ستاره شناسان و ساحران بیایند. این بار او خواب خود را به آنها گفت و از آنها پرسید که آن به چه معنی است، اما هیچ کدام از آنها نمی توانست به او بگوید! در آخر دانیال تزد او آمد. نبوکد نصر پادشاه او را با اسم بابلی اش صدا زد. او گفت، " بلطشصر "، من می دانم که تو حکیم تر از تمامی مردان من هستی. روح خدایان مقدس در تو است، و چیزی وجود ندارد که برای تو "خیلی سخت باشد. به من بگو که خوابم به چه معناست.

تصویر ۳-۴ از کتاب تصاویر

آنوقت او خواب اش را برای دانیال شرح داد. " من درخت بسیار بزرگی را دیدم- یک درخت که بسیار عظیم و قوی شد و نوک آن به آسمان رسید، هر کسی روی زمین می توانست آن را ببیند، درخت زیبا بود. این درخت میوه های زیادی داشت که غذای تمامی حیوانات را فراهم می کرد. پرندگان در شاخه هایش زندگی می کردند و سایه ای برای حیوانات صحرا فراهم می کرد. " تین قسمت داستان دلپذیر بود، ولی پادشاه ادامه داد.

تصویر ۴-۴ از کتاب تصاویر

ناگهان فرشته ای از آسمان پایین آمد و فریاد زد، " درخت را ببرید. شاخه ها و برگ هایش را ببرید. میوه هایش را پراکنده سازید. بگذارید تا حیوانات و پرندگان از زیرش پراکنده شوند. کنده ریشه هایش را با بند فلزی ببندید و اجازه دهید تا علف در اطراف آن رشد کند. اما فرشته حقیقتاً درباره یک درخت صحبت نمی کرد، او درباره شخصی صحبت می کرد. او با یک پیغام عجیب ادامه داد: " اجازه دهید که از شبنم آسمان تر شود، بگذارید تا در میان حیوانات و گیاهان زندگی کند. اجازه دهید که ذهن او برای هفت سال از ذهن یک انسان به ذهن یک حیوان تبدیل شود. این باید واقع شود تا هر آن که زندگی میکند بداند که خدای تعالی حاکم واقعی بر تمام امت ها است، و او هر آنکه را که برای فرمانروایی امت های مختلف بخواهد به قدرت

احتمالاً این خواب سی سال بعد از واقعه ی تنور آتش اتفاق افتاد.

به بچه ها اجازه دهید تا با تغییر در چهره شان وانمود کنند که مانند پادشاه ترسیده اند. بچه ها از فعالیت پر جنب و جوش در درس لذت می برند.

بچه های پیش دبستانی می توانند وانمود کنند که مانند پادشاه خواب الودند.

هفت بار " به هفت سال اشاره می کند "

خواهد رسانید.

پادشاه می بایست نفس عمیقی کشیده بود وقتی که او گفتن داستان اش را به پایان برد.

نبوکد نصر پادشاه گفت، " به من بگو که خوابم به چه معناست. هیچ کس دیگری در پادشاهی نمی تواند این کار را بکند، اما من می دانم که تو می توانی آن را برای من تعبیر کنی."

دانیال به واسطه شنیدن این خواب متعجب و ناراحت شده بود و برای لحظاتی نمی توانست چیزی بگوید. او نمی خواست اخبار بسیار بدی را که خدا به او نشان داده بود به پادشاه بگوید. در آخر دانیال گفت: " سرورم، مفهوم این خواب تنها برای دشمنان تو باشد! آن درخت عجیبی که شما دیدید، شما، پادشاه نبوکد نصر بود. شما بسیار بزرگ شدید و عظیم ترین پادشاهی روی زمین را فرمانروایی می کردید. همه درباره شما و شکوه شما می دانستند. اما شما فرشته ای را دیدید که از آسمان به روی زمین آمد و گفت: " درخت را ببرید و نابود اش کنید." دانیال می بایست هر کلمه ای را که در ادامه می گفت با دقت زیاد انتخاب می کرد. " خدای متعال دستور داده که شما باید مردم تان را ترک کنید و با حیوانات زندگی کنید. شما باید مانند یک گاو علف بخورید و در بیرون در فضای آزاد بخوابید تا به وسیله شبنم در شب تر شوید.

هفت سال خواهد گذشت تا شما بفهمید که خدای متعال فرمانروای واقعی زمین است و بپذیرید که او مسئول تمامی پادشاهی های روی زمین است. " منظور دانیال این بود که پادشاه دچار یک بیماری روانی خواهد شد، و این بیماری باعث خواهد شد که او مانند یک حیوان رفتار کند. چه خبر وحشتناکی برای مرد مغروری مثل نبوکد نصر پادشاه! اما دانیال خبر خوشی نیز داشت. فرمان آزادی کننده درخت باید نشان دهد که پادشاهی تو دوباره به تو داده خواهد شد زمانی که تو پذیرفتی تنها خدا فرمانروای زمین و آسمان است. " دانیال سال های زیادی برای پادشاه کار کرده بود و نمی خواست ببیند که این چیزهای وحشتناک برای او اتفاق می افتد، پس او چند نصیحت حکیمانه به پادشاه داد. او گفت: " از گناهانت توبه کن و آنچه را که درست است انجام بده. " دانیال نگران نبوکد نصر بود. غرور خودخواهانه پادشاه باعث می شد که او رهبر ظالمی برای ملت اش باشد و تمامی اعتبار پادشاهی را برای خودش کسب کند. حالا زمان مجازات بسیار بدی فرا رسیده بود. غرور خودخواهانه به یک مشکل واقعی برای پادشاه تبدیل شده بود.

آیا غرور خودخواهانه در زندگی شما یک مشکل است؟ غرور یعنی محسوب کردن خودتان بالاتر از آنچه شما باید خود را محسوب کنید. شاید شما به خودتان فخر می کنید. چقدر شما عالی به نظر می رسید، به کارهایی که شما می توانید انجام دهید یا به چیزهایی که دارید. ممکن است شما در انجام کاری از شخص دیگری بهتر باشید. شاید شما در موسیقی، یا ورزش، یا درس خاصی در مدرسه خوب هستید. خدا به مردم استعدادها و قابلیت های متفاوتی می دهد تا برای جلال دادن و خدمت کردن به او مورد استفاده قرار گیرند.

دانیال از کلمه ی خداوند در ایجا برای اشاره کردن به پادشاه استفاده کرد تا به او احترام بگذارد نه اینکه او را خدا خطاب نماید.

امروزه یک بیماری وجود دارد که باعث می شود مردم فکر کنند حیوان هستند و مطابق آن رفتار نمایند. شاید نبوکد نصر تحت تاثیر چنین بیماری قرار گرفته بود.



کارت تعلیم

کارت با تاکید تعلیم برای بچه ی نجات یافته را نشان دهید: اعتباری را که خدا شایسته ی آن است به او بدهد.

اما اگر شما به خودتان اجازه دهید که خودتان را بالاتر از آنچه که هستید محسوب کنید، مغرور خواهید شد. اگر شما عیسی را به عنوان نجات دهندگان دانید، شما نیاز دارید که به خدا اعتباری را بدهید که او شایسته آن است. غرور گناه بسیار جدی نسبت به خدا است. او از غرور خودخواهانه متنفر است و در کتاب مقدس می گوید: "تکبر شخص او را پست می کند" (امثال ۲۹: ۲۳)

این بدین معنا است که غرور خودخواهانه شخص باعث نابودی او می شود. غرور چگونه می تواند شما را نابود کند؟ افکار مغرورانه منجر به فخر کردن و اعمال متکبرانه می شود. به زودی دیگران نخواهند خواست که به شما گوش دهند یا در اطراف شما باشند. از همه بدتر، غرور باعث نابودی دوستی شما با خدا می شود. وقتی که چیزها در رابطه بین شما و خدا درست نیستند، هیچ چیزی درست به پیش نمی رود. خدا شایسته اعتبار یافتن برای هر چیز خوبی در زندگی شما است. شما احتیاج دارید که افکار متکبرانه را رد کنید و اجازه ندهید که غرور خودخواهانه به یک مشکل در زندگی شما تبدیل شود.

غرور خودخواهانه تبدیل به یک مشکل واقعی برای نبوکد نصر پادشاه شد. غرور خودخواهانه او را تبدیل به یک رهبر ظالم کرد و به زودی مجازات بسیار بدی را برای او باعث می شد. ای کاش او می فهمید و برای خدا اعتبار قائل می شد! دانیال به او هشدار داد که او نیاز دارد که از گناهِش توبه کند، اما پادشاه نپذیرفت که به دانیال گوش دهد. همانطور که ماهها می گذشت، به راه های گناه آلود و متکبرانه اش ادامه داد.

تصویر ۵- ۴ از کتاب تصاویر

یک سال کامل گذشت. ممکن است که نبوکد نصر خواب را فراموش کرده بود یا با خود فکر کرده بود که آن خواب به حقیقت نخواهد پیوست. روزی او بر روی بام مسطح قصرش قدم می زد و شهر عظیم بابل را نگاه می کرد. پادشاه گفت: "آیا این شهر شگفت آوری نیست که ساخته ام! این قصر زیبا را ببین که من به عنوان خانه ام آن را ساخته ام. من تین را با قدرت زور آور "خود ساخته ام! بین که چقدر عظیم هستم آیا واقعاً او کسی بود که با دستان خویش تمام ساختمان های زیبا را ساخته بود؟ نه

خدا بع او ذهنی داد تا بداند که چکار کند و به او قدرت داد تا پادشاه باشد. دیگران هم کارها را انجام داده بودند. وقتی که پادشاه مغرور صحبت می کرد، صدایی از آسمان آمد، که می گفت: "نبوکد نصر پادشاه، پیغامی برای تو وجود دارد. قدرت تو به عنوان پادشاه از تو گرفته خواهد شد. تو از مردم دور کرده خواهی شد و با حیوانات زندگی خواهی کرد. تو مانند گله گاوها علف خواهی خورد. هفت سال خواهد گذشت تا تو بپذیری که خدا کسی است که متصدی همه چیز است.

تصویر ۶- ۴ از کتاب تصاویر

فوراً همه چیز واقع شد درست همانطور که پادشاه خواب دیده بود و دانیال

توضیح داده بود! نبوکد نصر فکرش را از دست داد. او می بایست مردم اش را ترک می کرد و با حیدانات در صحرا زندگی می کرد. پادشاه، کسی که باید از بهترین چیزها استفاده می کرد، باید مانند یک گاو علف می خورد و بدون هیچ سرپناهی بیرون می خوابید. کتاب مقدس می گوید که موهای او مانند پرهای یک عقاب رشد کرد. ناخن های انگشت های دست و پایش هرگز کوتاه نشد و بلند و خمیده مانند ناخن های یک پرنده شد. چه روش وحشتناکی برای زندگی کردن! زمان به کندی می گذشت. یک سال.... دو سال.... سه سال.... برای هفت سال طولانی فکر نبوکد نصر درست کار نمی کرد و او مجبور بود که مانند یک حیوان فکر و زندگی کند. او دیگر رهبر قدرتمندی نبود که همه به او احترام می گذاشتند و او را ستایش می کردند. در عوض او از تاثیرات وحشتناک بیماری روانی رنج می برد. غرور گناه آلودش بالاخره زندگی او را تباہ کرد.

بچه های پیش دبستانی می توانند بر روی زانو و دستهایشان راه بروند و وانمود کنند که علف می خورند.

بچه های پیش دبستانی می توانند وانمود کنند که سالها را با استفاده از انگشت های خود می شمارند.

غرور گناه آلود می تواند زندگی شما را نیز تباہ کند. اگر شما عیسی را به عنوان نجات دهنده خود دارید، شما نیاز دارید به خدا اعتباری را که او شایسته آن است بدهید. به یاد بیاورید که خدا شما را ساخته است. او به شما قابلیت های مخصوص تان را خواه در ورزش، موسیقی یا چیزهای دیگر داده است. هر چیزی که شما می توانید انجام دهید به خاطر نیکویی خدا نسبت به شما است. بعضی وقت ها ممکن است که مردم شما را ستایش کنند و بگویند که چه کار بزرگی در مورد خاصی انجام داده اید. لذت بردن از این تعریف ها خوب است ولی باید فراموش نکنید که چه کسی به شما کمک کرد! وقتی مردم از شما تعریف می کنند، به سادگی بگویید "متشکرم" یا "خداوند به من کمک کرد که آن را انجام دهم". خدا می گوید که "همه با یکدیگر فروتنی را به خود ببندید" (اول پطرس ۵: ۵) را با همدیگر تکرار کنید. شما باید خودتان و قابلیت های خودتان را آنطور ببینید که خدا آنها را می بیند. وقتی که شما به خدا اعتباری را که او برای تمام چیزهایی که در زندگی شما انجام داده است می دهید، او تکریم می شود. آنوقت، در نتیجه او وعده می دهد که شما تکریم می شوید و برکت (می یابید). (امثال ۲۹: ۲۳)

دفعه بهد وقتی که فکر مغرورانه به ذهن شما آمد، در خداوند قوی باشید و آن افکار را رد کنید. درباره عظمت و نیکویی خدا فکر کنید. خدا را برای آنچه که او هست ستایش کنید و از او برای آن چه که به شما کمک می کند تا انجام دهید تشکر کنید. از او بخواهید تا به شما کمک کند تا در تمام چیزهایی که انجام می دهید و می گویی او را تکریم کنند. اجازه ندهید که غرور گناه آلود زندگی شما را تباہ کند.

غرور گناه آلود زندگی نبوکد نصر پادشاه را تباہ کرد و او می بایست هفت سال از بیماری روانی رنج می برد و مانند یک حیوان زندگی می کرد. او دیگر رهبر قدرتمندی نبود که همه به او احترام می گذاشتند و او را ستایش می کردند.

تصویر ۱- ۴ از کتاب تصاویر

در پایان آن هفت سال، نبوکد نصر گفت: "من به سوی آسمان نگرستم و



کارت تعلیم

کارت با تاکید تعلیم برای بچه ی نجات یافته را نشان دهید.

کارت های ببر خانه که حاوی تاکید تعلیم برای بچه ی نجات یافته و جدول مشروح می باشد را تهیه کنید.

فکر م شفا یافت. آنوقت من خدا را ستایش کردم و او را تکریم نمودم. او کسی است که زندگی می کند و مسئول تمامی انسان ها برای همیشه است. خدا قادر است هر آنچه که می خواهد هم در آسمان و هم روی زمین انجام دهد. هیچ کس نمی تواند مانع او شود. هیچ کس حق ندارد که بپرسد خدا در حال انجام چه کاری است.

نقطه اوج داستان

پادشاه فروتن خدا را ستایش و تکریم کرد

نتیجه

در همان لحظه خدا ذهن نبوکدر نصر را شفا داد، او همچنان پادشاهی اش را به او برگرداند. نبوکدر نصر حتی احترامی بیش از پیش دریافت کرد زیرا که او برای خدا اعتبار قائل شده بود.

تقلا

اگر شما عیسی را به عنوان نجات دهنده تان دارید، آیا شما در این هفته به خدا اعتباری را که او شایسته آن است می دهید؟ به یاد بیاورید که غرور می تواند دوستی شما را با خدا و حتی کل زندگی شما را تباه کند، اما احترام گذاشتن به خدا باعث برکت می شود. همانطوری که آیه حفطی ما به ما یادآوری می کند، (اول پطرس ۵: ۵) را (تکرار کنید)

وقتی که افکار متکبرانه می آید، آن افکار را نپذیرید. درباره عظمت و نیکویی خدا نسبت به خودتان فکر کنید. خدا را به خاطر آنچه او از طریق شما انجام داده است ستایش کنید.

از خدا بخواهید که به شما کمک کند تا در زندگی تان به او احترام بگذارید. من به شما کاغذی خواهم داد که برای هر روز این هفته مربعی روی کاغذ وجود دارد. در پایان هر روز، به یاد بیاورید که آیا به خدا به خاطر این که او به شما در انجام کاری کمک کرد اعتبار داده اید اگر به خدا در آن روز اعتبار دادید شما می توانید چهره ای با لبخندی درون مربع برای آن روز بکشید. کاغذ را هفته آینده برگردانید و ما با هم خدا را به خاطر کمک کردن به شما در انجام آن کار ستایش خواهیم کرد.

دعوت

بدترین نوع غرور وقتی است که ما فکر کنیم که می توانیم مشکل گناهمان را حل کنیم و با تلاش خودمان رابطه مان را با خدا درست نماییم. شما نیاز دارید که به عیسی خداوند به عنوان نجات دهنده تان ایمان بیاورید. عیسی بر روی صلیب مرد تا مجازات گناهانتان را بردارد، آنوقت او دوباره زنده شد. کتاب مقدس می گوید: " هر که به او ایمان آورده لاک نگردد بلکه (حیال جاودانی یابد. " (یوحنا ۳: ۱۶)



با استفاده از این روش یا روش دیگری که موثر یافته اید از بچه ها دعوت کنید تا عیسی خداوند را بپذیرند. برای آموزش های بیشتر به مبحث " چگونه می توان یک بچه را به سوی مسیح هدایت کرد " مراجعه کنید.

گر شما کاملاً به آنچه عیسی خداوند روی صلیب برای شما انجام داد به عنوان تنها راهی که خدا می تواند گناهتان را ببخشد اعتماد کنید، شما مجازات نخواهید شد. شما قادر خواهید بود که برای همیشه با او در بهشت زندگی کنید.

آیا شما مایلید که امروز به او ایمان بیاورید؟ لطفاً سرتان را خم کنید و چشمانتان را ببندید. اگر شما قبلاً هرگز به عیسی خداوند به عنوان نجات دهنده تان ایمان نیاورده اید و مایلید این کار را انجام دهید، با بلند کردن (دستانتان به من نشان دهید) متوجه جواب ها باشید
همگی شما می توانید چشمانتان را باز کنید. اگر شما دستانتان را بلند کردید تا نشان دهید که می خواهید به عیسی به عنوان نجات دهنده تان ایمان بیاورید، لطفاً مرا (در زمان و مکان تعیین شده ای) ملاقات کنید تا من بتوانم از روی کلام خدا به شما نشان دهم که چطور گناهتان بخشیده می شود.

سوالات مروری

- ۱- چه پیغامی نیوکد نصر پادشاه برای مردم اش فرستاد؟
خدای زنده و حقیقی عظیم است و بر همه چیز برای همیشه فرمانروایی خواهد کرد
- ۲- چند تا از کارهایی را که خدا انجام داده تا قدرت خویش را نشان دهد چیست؟
همه چیز را آفرید، مسیح را از مردگان برخیزانید، مردم را شفا داد و غیره
- ۳- چرا پادشاه فکر کرد که دانیال می توانسی مفهوم خواب اش را بگوید؟
او می دانست که روح خدایان (خدا) در او است و دانیال دانتر از همه مردان حکیم او است
- ۴- چه چیزی در خواب پادشاه بود؟
یک درخت بزرگ و زیبا که یک فرشته آمد و آن را برید
- ۵- اول پطرس ۵:۵ چه می گوید؟
از آیه نمایشی خودتان در صورت نیاز استفاده کنید
- ۶- خواب نشان داد که چه اتفاقی برای پادشاه خواهد افتاد؟
او به یک بیماری روانی دچار می شد و می بایست در بیرون در فضای باز زندگی می کرد و مانند یک حیوان برای هفت سال علف می خورد
- ۷- چه اخبار خوشی دانیال به پادشاه داد؟
وقتی که پادشاه می پذیرفت که خدا تنها کسی است که مسئول همه چیز است پادشاهی به او پس داده می شد
- ۸- چند چیزی که پسرها و دخترها ممکن است به خاطر آنها مغرور شوند چیست/
نمره های خوب گرفتن، موفق بودن در ورزش یا موسیقی، داشتن لباس ها یا اسباب بازی های گران قیمت و غیره
- ۹- دانیال به پادشاه هشدار داد که چه کاری انجام دهد؟

بازی مروری

روی تکه های کاغذ امتیازات مختلفی را بنویسید و درون پاکتی با بر چسب " امتیازات " قرار دهید. درون پاکت دیگری با بر چسب " بده یا بگیر " هشت برگه کاغذ با نوشته ی " بده " و ده برگه ی کاغذی با نوشته ی " بگیر " قرار دهید. وقتی که بچه ای سوالی را به درستی پاسخ می دهد، او برگه ای را از درون پاکت امتیازات بیرون می کشد. بعد او برگه ای از پاکت " بده یا بگیر " بیرون می کشد تا مشخص کند آیا کلاس امتیاز را می گیرد (" بگیر ") یا (" معلم ") بده

از گناهان اش دوری کند و به خدا اعتبار دهد

۱۰- نبوکد نصر پادشاه درباره چه چیزهای متکبرانه صحبت می کرد؟
شهر و قصر زیبایی که او ساخته بود و این که خودش بسیار باشکوه بود

۱۱- چه اتفاقی برای نبوکد نصر به خاطر غرور اش واقع شد؟
او می بایست برای هفت سبیل مانند یک حیوان فکر و زندگی می کرد تا این که در پایان می پذیرفت که خدا مسئول هر چیزی است

۱۲- وقتی که شما وسوسه می شوید مغرور شوید چه می توانید انجام دهید؟
به یاد بیاورید که خدا به شما کمک می کند. از خدا تشکر کنید و او را ستایش نمایید

چشم انداز درس

متن کتاب مقدس	دانیال ۵
آیه حفظی	اعداد ۳۲ : ۲۳ " ...اینک به خداوند گناه ورزیده اید، و بدانید که گناه شما، شما
" را درخواهد گرفت	بچه نجات یافته از گناه دوری خواهد کرد، با این آگاهی که خدا او را مسوول
هدف تعلیم	خدا اجازه نمی دهد که شما از مجازات گناه فرار کنید
رفتاراش قرار می دهد	به عیسی خداوند برای دریافت زندگی جاودانی ایمان بیاورید
تعلیم اصلی	تصاویر ۶ - ۱ - ۵
تاکید برای نجات نیافتگان	
کمکهای تصویری	

خطوط اصلی درس

۱ - مقدمه

آیا تا به حال کسی را دیده اید که بخاطر انجام کار نادرستی به خود افتخار می کند؟ پادشاه در درس کتاب مقدس امروز ما کار اشتباهی انجام داد، و او فکر کرد که می توانست از مجازات آن فرار کند. تا وقتی که خدا یک پیغام هراس انگیز به او داد

۲ - پیشرفت وقایع

(الف - بلشصر پادشاه مهمانی عظیمی برپا کرد. (۵ : ۱



پادشاه دستور داد که ظروف هیکل اورشلیم آورده شود، و او و مهمانان اش از آن ظروف

(شراب نوشیدند و خدایان دروغین شان را ستودند. (۲ : ۴

پ - همانطور که پادشاه و مهمانان اش جشن می گرفتند و از ظروف هیکل می نوشیدند، دستی ظاهر شد و

(روی دیوار نوشت، که پادشاه را بسیار ترسانید. (۵ : ۵ - ۶



ت - چند پادشاه به مردان حکیم اش پیشنهاد جایزه کرد، اما آنها نتوانستند پیغام را تفسیر کنند. (

(۷ : ۹

(ث - ملکه به پادشاه گفت که دانیال را احضار کند. (۱۰ : ۱۲



ج - دانیال آورده شد، و پادشاه را با گناهی که پادشاه کرده بود، مواجه ساخت. (۱۳ : ۲۳

(چ - دانیال نوشته را تفسیر کرد. (۲۴ : ۲۸

ح - پادشاه پادشاه و عده داده شده را به دانیال داد، اما همان شب بابل توسط دشمن اشغال شد و پادشاه کشته

(شد. (۲۹ : ۳۰

۳ - نقطه اوج داستان

(چون بلشصر عمداً بر علیه خدا گناه کرده بود، او زندگی و پادشاهی اش را از دست داد! (۵ : ۳۰

۴ - نتیجه

(داریوش مادی پادشاهی بابل را به جای بلشصر دریافت کرد. (۵ : ۳۱)

پس
چه نجات یافته

(خدا اجازه نمی دهد که از مجازات گناهتان فرار کنید. (اعداد ۳۲ : ۲۳)

بچه نجات نیافته

(برای دریافت زندگی جاودانی به عیسی خداوند ایمان بیاور. (یوحنا ۳ : ۳۶)

آیه حفظی

اعداد ۳۲: ۲۳ " و اگر چنین نکنید، اینک به خداوند گناه ورزیده اید، و بدانید " که گناه شما، شما را در خواهد گرفت

مقدمه:

هدف از بازی قائم باشک چیست؟ (اجازه دهید بچه ها توضیح دهند) بعضی وقت ها شما یک جای بسیار خوب برای پنهان شدن پیدا می کنید و خیلی طول می کشد تا کسی شما را پیدا کند. اما با خدا نمی توان قائم باشک بازی کرد. ما هرگز نمی توانیم خودمان یا چیزی را که انجام می دهیم از او پنهان کنیم. بیایید تا ببینیم که خدا درباره این موضوع چه می گوید.

معرفی

کتاب مقدس تان را نشان دهید، با این توضیح که آن کلام خدا است. آیه را از روی کتاب تان بخوانید و توضیح دهید که چطور آن را یافته اید. اجازه دهید (تا بچه ها با شما آیه را از روی آیه نمایشی بخوانند)

توضیح

اینک به خداوند گناه ورزیده اید- خدا می گوید که (بدانید و آگاه باشید) که شما به او گناه ورزیده اید. هر آنچه که شما انجام می دهید، می گوئید یا فکر می کنید که موجب خشنودی خدا نمی شود، او آن را گناه می نامد. تمام گناهان بر علیه خدا هستند نه بر علیه کس دیگری. و بدانید که گناه شما، شما را در خواهد گرفت- شما نمی توانید گناهتان را از خدا پنهان کنید یا از نتایج یا پیامدهای گناهتان فرار کنید. خدا در محبت اش اجازه می دهد که پیامدهای گناه در زندگی ما بیاید زیرا که او می خواهد به ما یاد دهد که از او اطاعت کنیم.

کاربرد

نجات یافتگان: حتی اگر شما قبلاً به عیسی خداوند به عنوان نجات دهنده تان ایمان آورده اید، شما همچنان وسوسه می شوید که گناه کنید. وقتی که شما انتخاب می کنید که کنید، ممکن است که شما نتایج آن را فوراً نبینید اما پیامدهای آن در راه خواهند بود. خدا به شما اجازه نمیدهد که از گناهتان فرار کنید.

نجات نیافتگان: اگر شما قبلاً به عیسی خداوند ایمان نیاورده اید، شما به وسیله گناهتان از خدا جدا می شوید. شما باید ایمان بیاورید که عیسی برای شما مرد و او را به عنوان نجات دهنده تان از گناه بپذیرید. ما به شما امروز فرصتی می دهیم که این کار را انجام دهید.

تکرار: بعدی کیست؟

از روی شش تا هشت کارت بنویسید که چه کسی آیه را خواهد خواند برای مثال همه پسرها، همه دخترها، هر کسی که کفش بنددار پوشیده، همه کسانی

که بستنی دوست دارند هر کس که ورزش را دوست دارد، همه کسانی که صحبت کردن با تلفن را دوست دارند، هر کسی که امروز به کلاس آمده است، هر کسی که از نوشتن روی تخته سیاه لذت می برد. کارت ها را درون یک کیف کاغذی قرار دهید و اجازه دهید که یکی از بچه ها یکی از آنها را انتخاب کند، همه کسانی که درباره شان روی کارت مربوطه توضیح داده شده است بپایستند و آیه را با هم بخوانند. اجازه دهید تا بچه ها کارت ها را (بیرون بیاورند و آیه را تکرار کنند)

درس

مقدمه

آیا تا به حال شنیده اید کسی کار اشتباهی انجام دهد و درباره آن فخر کند؟ ممکن است که شما کاری انجام دادید و فکر کردید می توانید از مجازات آن فرار کنید. پادشاه در درس کتاب مقدسی امروز ما عمداً کاری اشتباهی انجام داد. او نیز فکر کرد که می تواند از مجازات آن فرار کند، تا وقتی که خدا به او یک پیغام وحشتناک داد! شب جشن در قصر بود

پیشرفت وقایع

تصویر ۱- ۵ از کتاب تصاویر

پادشاه نبوکد نصر از دنیا رفته بود. بلشصر، یکی از بستگان نبوکد نصر پادشاه، حالا پادشاه بابل بود. بلشصر یک جشن عظیم برای افراد برجسته خویش و همراهان اش داشت. هزار نفر در آنجا بودند! زمان عجیبی برای یک مهمانی بود. سربازان دشمن بیرون دیوارهای شهر بودند و سعی می کردند که داخل شهر شوند! بلشصر پادشاه می دانست، اما او می بایست فکر می کرد که دلیلی برای نگرانی وجود ندارد. دیوارهای شهر بسیار عظیم بودند! دیوارها برای بالا رفتن بسیار بلند بود و همچنین برای شکستن بسیار کلفت بود.

یک رودخانه از وسط شهر می گذشت و آب را فراهم می کرد، و آنها غذای کافی برای ۲۰ سال داشتند! بلشصر پادشاه به اندازه کافی احساس امنیت می کرد تا یک مهمانی برای پرستش خدایان دروغین مادامی که سربازان دشمن به آنها حمله کرده بود، داشته باشد.

پادشاه و مهمانان اش برای مدتی در حال خوردن بهترین غذاها و نوشیدن شراب بودند که او تصمیم گرفت کار بسیار بدی انجام دهد. او به خدمت کاران اش دستور داد "ظروف طلایی و نقره ای که نبوکد نصر از خانه خدا در اورشلیم آورده بود بیاورید تا ما در آنها بنوشیم." این ظروف مخصوص قرار بود که در پرستش تنها خدای حقیقی مورد استفاده قرار گیرد، اما بلشصر تصمیم داشت تا از آنها در پرستش بتها- مجسمه هایی که معرف خدایان دروغین او بودند استفاده کند

تصویر ۲- ۵ از کتاب تصاویر

ظروف آورده شدند و همه از آن نوشیدند و خدایان شان را پرستش کردند. آنها با نوشیدن از ظروفی که برای پرستش تنها خدای حقیقی آسمان کنار گذاشته شده بود او را مسخره کردند! بلشصر پادشاه می دانست که استفاده

شاید بتوانید در موقع بحث کردن درباره ی مهمانی، میوه یا شیرینی به کلاس بیاورید تا بچه ها از آنها لذت ببرند. بچه به واسطه ی حس خود آموزش می بیند

گزارش هایی موجود است که می گوید دیوار بابل ۳۳۰ پا ارتفاع و ۳۰ پا پهنا داشت

بابلی ها هر ساله چنین جشنی برای خدایان در این زمان داشتند

از این ظروف مخصوص به این روش اشتباه است و او اهمیت نمی داد که بر علیه خدا گناه می ورزد. به علاوه، او فکر نمی کرد که به خاطر گناه اش مجازات خواهد شد.



کارت تعلیم

کارت با تاکید تعلیم برای بچه ی نجات یافته را نشان دهید: خدا اجازه نمی دهد که شما از مجازات گناه فرار کنید.

بعضی وقت ها حتی مسیحیان فکر می کنند که آنها می توانند گناه کنند و مجازات نشوند، اما این حقیقت ندارد. ممکن است شما نافرمانی کنید، دروغ بگویید یا عمل ظالمانه ای نسبت به شخص دیگری انجام دهید، با این که شما می دانید خدا می گوید که آن گناه است. شما عمداً گناه می کنید. اگر شما به عیسی به عنوان نجات دهنده تان ایمان آورده اید، خدا اجازه نمی دهد که شما از مجازات گناهتان فرار کنید. وقتی که شما فرزند خدا می شوید، او مجازات گناه بی ایمانی شما را برمی دارد. شما دیگر از خدا جدا نمی شوید. حالا او می خواهد که شما راغبانه از او اطاعت کنید. وقتی که شما انتخاب می کنید که سرپیچی کنید، خدا مانند یک پدر مهربان که بهترین ها را برای شما می خواهد، شما را تصحیح خواهد کرد. این تصحیح یا تعلیم، تادیب نامیده می شود. وقتی که خدا شما را تادیب می کند، این برای خیریت شما است. تا کمک کند شما یاد بگیرید که چطور یک زندگی داشته باشید که او را خشنود می سازد و این باعث یک شادی مداوم عمیق در درونتان می شود. بعضی وقت ها خدا اجازه می دهد که گرفتاری ها وارد زندگی شما شود تا تادیب شوید. این تادیب ها می تواند بیماری، مردود شدن در چیزی یا چیزهای سخت دیگر باشد.

این چیزها همیشه نتیجه گناه نیستند، بلکه بعضی وقت ها او به این چیزها اجازه می دهد تا شما را تصحیح نماید. وقتی که شما گناه می کنید احتمالاً در درون تان غمگین، بی قرار و شرمنده هستید. اینها نیز قسمتی از تادیب خدا برای تصحیح کردن شما می باشد. بعضی وقت ها خدا شما را فوراً تادیب می کند. در موقعیت های دیگری ممکن است که او مدتی صبر کند، اما دیر یا زود او شما را تادیب خواهد کرد. احمقانه است که شما فکر کنید می توانید گناهتان را از خدایی که واقف بر همه چیز است پنهان کنید. آیه حفظی ما می گوید، (اعداد ۳۲: ۳۲) را تکرار کنید. فکر نکنید که خدا گناهتان را مجازات نخواهد کرد.

بلشصر پادشاه احمق فکر نکرد که خدا گناه اش را مجازات خواهد کرد. او اهمیت نداد که نسبت به خدا گناه می کند. او فکر کرد که او می توانست هر طوری که دوست دارد عمل کند و هیچ اتفاقی برای او نمی افتد. تصویر ۳- ۵ از کتاب تصاویر

ناگهان، وقتی که پادشاه و مهمانان اش از ظروف هیکل می نوشیدند و خدایان دروغین شان را ستایش می کردند، یک دست بدون بازو یا بدن نزدیک دیوار ظاهر شد!

تصویر ۴- ۵ از کتاب تصاویر

آنوقت، دست شروع به حرکت کرد و کلماتی را روی گچ دیوار نوشت. بلشصر پادشاه بسیار ترسید و صورت اش بی رنگ شد! کتاب مقدس می گوید که زانوهایش به هم می خورد و بندهای کمرش سست شد. او هرگز در عرش اینقدر نترسیده بود! دست نا پدید شد، اما نوشته روی دیوار باقی ماند.

معمولاً کشور گشایی ها و پیروزی های پادشاه بر دیوارهای گچی سالنهای مهمانی نوشته می شد، اما ینبار در عوض پادشاه داوری شدن خود را می دید.

بچه ها از نقش آفرینی در این صحنه از داستان لذت خواهند برد.

جایی که همه می توانستند آن را ببینند. " مردان حکیم مرا بخوانید!" پادشاه وحشت زده دستور داد. " من جادوگران، ستاره شناسان و ساحران خویش!" را می خواهم. من باید بدانم این نوشته به چه معناست وقتی که مردان حکیم آمدند، پادشاه به هر کسی که بتواند نوشته را بخواند و مفهوم آن را بگوید پیشنهاد پاداش کرد. شخص یک لباس سلطنتی دریافت می کرد تا نشان دهد که قدرت عیشی دارد. یک زنجیر طلایی گرانقیمت به دور گردن او انداخته می شد و او سومین حاکم بزرگ پادشاه می شد. همه این مردان حکیم می بایست این پاداش های مخسوس را می خواستند، اما هیچ کدام از آنها نمی توانست نوشته را بخواند یا مفهوم آن را بگوید! این نوشته پیغامی از خدا بود. این مردان نمی توانستند پیغام را بشناسند یا بعضی آن را بدانند زیرا که آنها خدای واحد حقیقی را نمی شناختند.

شما می توانید خدای واحد حقیقی را بشناسید. او خالق همه چیز است. کسی که جهان و شما را آفرید. او شما را دوست دارد و می خواهد شما روزی با او در بهشت زندگی کنید. در کتاب مقدس خدا می گوید، گ با (محبت ازلی تو را دوست داشتم" (ارمیا ۳۱: ۳)

اما خدا بدون گناه و مقدس است و شما گناه کرده اید. کارهای اشتباهی انجام داده اید که خدا می گوید نباید انجام دهید. آیه می توانید درباره چیزهایی فکر کنید که بچه ها انجام می دهند و آنها گناه هستند؟ (اجازه دهید بچه ها پاسخ دهند)

به خاطر گناهتان شما مستحق هستید که برای همیشه جدا از خدا در یک مکان تاریک مجازات شوید. (رومیان ۶: ۲۳). اما چون خدا شما را دوست دارد او پسر خودش، عیسی خداوند را به روی زمین فرستاد. عیسی هرگز گناه نکرد. او یک زندگی بدون گناه را زندگی کرد. بعد راغبانه روی صلیب مرد تا مجازات گناه شما را بر دوش خودش بردارد. (کتاب مقدس می گوید، " به خون او عادل شمرده شدیم" (رومیان ۵: ۹) خونی که از بدن عیسی جاری شد تنها بهای پرداخت شده گناه است که خدا خواهد پذیرفت. بعد از اینکه او مرد و دفن شد، او دوباره زنده شد، و حالا او در آسمان زندگی می کند. اگر شما انتخاب کنید که به عیسی به عنوان نجات دهنده تان ایمان بیاورید، شما می توانید زندگی ابدی داشته باشید. زندگی ابدی یعنی زندگی او در شما در حال حاضر و زندگی با خدا در بهشت برای همیشه. شما خودتان می توانید خدای واحد حقیقی را بشناسید.



از آنجا که این درس بر رشد مسیحی متمرکز می باشد، پیغام نجات خلاصه شده است. شما می توانید در زمان دیگری از ساعت کلاس بر معرفی انجیل تاکید کنید.

مردان حکیم پادشاه خدای زنده واحد حقیقی را نمی شناختند، پس آنها نتوانستند مفهوم پیغامی را که خدا فرستاد بفهمند. این باعث وحشت بیشتر بلشصر شد! مهمانان او متعجب و سر در گم شده بودند.

تصویر ۵-۵ از کتاب تصاویر با شنیدن سر و صدا در سالن مهمانی، ملکه آمد تا ببیند که چه اتفاقی در حال وقوع است. زیاد نگران نباشید!" او به پادشاه گفت: " در اینجا در پادشاهی تو مردی است که می تواند به تو کمک کند. او روح خدایان مقدس را دارد.

در زمان جد شما، نبوکد نصر پادشاه، معلوم شد که او حکمت و دانشی مانند خدایان دارد. این مرد، دانیال می تواند مفهوم خواب ها را بگوید. دانیال را بخوان. او قادر خواهد بود که به تو بگوید کلمات روی دیوار به چه معناست."

تصویر ۶- ۵ از کتاب تصاویر

آنگاه دانیال را به نزد پادشاه آوردند. بلشصر گفت: "آیا تو دانیال هستی؟ من شنیده ام که تو بسیار حکیم هستی و می توانی خواب ها را تعبیر کنی. هیچ کس نتوانسته است بخ من بگوید که این دستخط روی دیوار به چه معناست. اگر تو بتوانی آن را بخوانی و برای من توضیح دهی، من پاداش های عظیمی به تو خواهم داد." اما دانیال به پاداش پادشاه علاقه ای نداشت. "پادشاهها"، دانیال گفت، "تو درباره یکی از بستگان نبوکد نصر پادشاه می دانی. خدا به او قدرت عظیمی داد و تمام ملت ها از او وحشت داشتند. او بسیار مغرور شد و خدا می بایست به او درسی می داد. او فکرش را از دست داد و مانند یک حیوان شد. او می بایست با حیوانات در بیرون زندگی می کرد و علف صحرا را می خورد تا وقتی که نهایتاً او می پذیرفت خدای متعال کسی است که واقعاً کنترل همه انسان ها را در دست دارد. تو همه اینها را می دانی، بلشصر." دانیال ادامه داد، "اما تو همچنان خودت را در برابر خدای آسمان برافراشتی. تو از ظروف هیکل نوشیدی هنگامی که خدایانت را ستایش می کردی، خدایانی که حتی نمی تواند بشنوند یا منظور تو را بفهمند! اما تو خدای زنده را که زندگی تو را در دستان اش دارد نادیده گرفتی! به این دلیل است که خدا آن دست را فرستاد تا پیغام را روی دیوار بنویسد." هر چند که بلشصر به خدای واحد حقیقی ایمان نداشت، او از قدرت اش آگاه بود. او می بایست می دانست که با خدا مخالفت نکند. دانیال به پادشاه جدی بودن گناه اش را در نزد خدا یادآوری می کرد

به عنوان فرزند خدا، شما می دانید که گناه برای خدا بسیار اهمیت دارد. او مقدس است و باید گناه را مجازات کند. شما می توانید مطمئن باشید که خدا اجازه نمی دهد که شما از مجازات گناه فرار کنید. احمقانه است که فکر کنید خدا اهمیتی نمی دهد اگر شما "تنها یک گناه کوچک" مرتکب شوید یا به خاطر این که او به شما وعده حیات ابدی در آسمان را داده است، شما می توانید به هر روشی که می خواهید زندگی کنید. اینها دروغ هایی هستند که دشمن شما شیطان می خواهد که شما باور کنید. اگر شما عیسی خداوند را به عنوان نجات دهنده تان می شناسید، به یاد بیاورید که خدا اجازه نمی دهد که شما از مجازات گناهتان فرار کنید. آیه حفظی ما (می گوید، (اعداد ۳۲: ۲۳ را با هم تکرار کنید وقتی که شما گناه می کنید خدا نجات شما را تکیه کنید، زیرا که خداوند عیسی مسیح آن را با خون اش روی صلیب تثبیت کرد. اما خدا شما را به خاطر روشی که انتخاب می کنید تا به عنوان یک مسیحی زندگی کنید مسئول می داند. او شما را در روی زمین تادیب می کند، و ممکن است که پاداش های شما را در آسمان به شما ندهد. شما باید چه کار کنید تا از تادیب خدا در زندگی تان در روی زمین دوری کنید؟

شاید استفاده ی ملکه از کلمه ی پدر در دانیال ۵: ۷- ۸ یک بر چسب درباره ی برای اشاره به پادشاه قبلی بود، زیرا نبوکد نصر پدر جسمانی بلشصر نبود بلکه یکی از نیاکان سلطنتی او



کارت تعلیم

کارت با تاکید تعلیم برای بچه ی نجات یافته را نشان دهید

اول، از چیزهایی که می دانید گناه است دوری کنید. خواندن کتاب مقدس تان به شما کمک می کند تا بدانید که خدا می خواهد چه کارهایی انجام دهید و انتظار دارد که از چه چیزهایی دوری کنید. **د زندگی ابدی**

دوم، اول یوحنا ۱: ۹ می گوید اگر شما گناه کردید، باید گناهتان را اعتراف کنید (با خدا در مورد گناهتان موافقت کنید). او وعده می دهد که گناه شما را می بخشد، وقتی که شما صادقانه، قلباً بپذیرید که کار اشتباهی انجام داده اید. آنوقت از او خواهش کنید تا به شما کمک کند که کار درست را انجام دهید. وقتی که شما خودتان را با اعتراف کردن به خدا تادیب می کنید و از گناه بر می گردید، شما در خداوند قوی می شوید. خدا دیگر خودش شما را تادیب نمی کند. به یاد بیایید، خدا گناه را جدی می داند!

دانیال جدی بودن گناه پادشاه نزد خدا را به بلشصر یادآوری می کرد. پادشاه به خدای واحد حقیقی ایمان داشت، اما او باید می دانست که بر علیه خدا گناه نکند. او می بایست از انجام عمدی کارهایی که می دانست اشتباه است دوری می کرد. حالا دانیال آماده بود که پادشاه بگوید کلمات روی دیوار به چه معنی بود.

دانیال به پادشاه گفت، "خدا روزهای سلطنت اتو را شمرده است، و حالا سلطنت تو به پایان رسیده است. تو روی ترازو وزن شده ای- تو به آن اندازه نبوده ای که خدا از تو انتظار داشت. حالا پادشاهی تو تقسیم خواهد شد و به دشمنانت، مادها و فارسیان بخشیده خواهد شد. آیا این پیغام خوبی برای بلشصر پادشاه به نظر می رسد؟ نه! او پادشاهی خود را از دست می داد. هر چند که پیغام بسیار بد بود، پادشاه پادشاهی و وعده داده شده را به دانیال داد. یک لباس بنفش به او پوشانیده شد، یک زنجیر طلایی به دور گردن او گذاشته شد و دانیال سومین مقام پادشاهی شد. اما همان شب، سربازان دشمن وارد بابل جایی که پادشاه بلشصر فکر می کرد امن است، شدند. کتاب های تاریخی به ما می گویند که سربازان دشمن کانال دیگری برای رودخانه کردند تا آب از آن بگذرد و از میان شهر نگذرد. آنوقت آنها قادر شدند که درست از زیر دیوارهای شهر جایی که رودخانه قرار داشت عبور کنند. آنها شهر را گرفتند و بلشصر پادشاه را کشتند.

بچه ها از تکرار چنین اسمهای عجیبی به همراه شما لذت خواهند برد.

نقطه اوج داستان

چون بلشصر عمداً به خدا گناه ورزید، او پادشاهی و جان اش را از دست داد.

نتیجه

داریوش مادی یکی از دشمنان بلشصر پادشاه – پادشاه جدید بابل شد. خدا دا دانیال وفادار ماند و دانیال به خدمت اش به پادشاه جدید ادامه داد. وقتی که بلشصر فهمید گناه ورزیدن به خدا یک مسئله جدی است، او فکر کرد که خدا از گناه او چشم پوشی خواهد کرد.

تقلا

آیا تا به حال گناه کرده اید با این فکر که خدا از آن چشم پوشی خواهد کرد؟ اگر عیسی خداوند را به عنوان نجات دهنده خود می شناسید، به یاد بیاورید، خدا اجازه نخواهد داد که از مجازات گناهتان فرار کنید. این هفته در خداوند قوی باشید. از چیزهایی که می دانید گناه هستند دور باشید. کلام خدا را بخوانید و از او بخواهید تا به شما کمک کند بفهمید که چه باید انجام دهید و چه نباید انجام دهید. اگر گناه کردید آن را فوراً به خدا اعتراف کنید. ممکن است که نیاز داشته باشید از کسی که او را ناراحت کردید طلب بخشش کنید. از خدا به خاطر بخشش او تشکر کنید و از او بخواهید که به شما کمک کند تا آنچه را که درست است انجام دهید. آیه‌حفظی تان را به یاد بیاورید. (اعداد ۳۲: ۲۳ را با هم‌دیگر تکرار کنید.) ممکن است که درباره گناهی در زندگی تان فکر می کنید که سعی کرده اید آن را از خدا پنهان کنید. آیا شما توقف می کنید و درباره آن درست حالا به خدا می گوید؟ به یاد بیاورید، که خدا اجازه نمی دهد که از مجازات گناه فرار کنید. (زمانی را برای دعا در سکوت صرف کنید.) من قصد دارم که کاغذی با یک روبان بر روی آن به شما بدهم تا به خانه ببرید. هر دفعه که شما به خدا اجازه می دهید تا به شما کمک کند که بر گناه پیروز شوید، یک ستاره روی روبان اضافه کنید. وقتی که شما گناه می کنید و آنرا به خدا اعتراف می کنید، ستاره ای بیرون روبان بگذارید زیرا که خدا شما را بخشیده است.



کارت تعلیم

کارت با تاکید تعلیم برای بچه ی نجات یافته را نشان دهید.

کارت های ببر خانه که حاوی تاکید تعلیم برای بچه ی نجات یافته و مثال (تصویر) مشروحه می باشد را تهیه نمایید.

دعوت

اگر تا به حال به عیسی خداوند به عنوان نجات دهنده تان ایمان نیاورده اید، گناهتان همچنان شما را از خدا جدا می کند. او پسرش، عیسی خداوند را بر روی زمین فرستاد تا روی صلیب بمیرد. عیسی مجازات گناهی را که شما مستحق آن بودید برداشت و دوباره زنده شد. کلام خدا می گوید: " آنکه (به پسر ایمان آورده باشد، حیات جاودانی دارد) (یوحنا ۳: ۳۶) تنها راه داشتن زندگی ابدی با خدا این است که گناهتان را بپذیرید و کاملاً اعتماد کنید که عیسی برای شما روی صلیب مرد لطفاً سرتان را خم کنید و چشمانتان را ببندید. اگر هرگز به عیسی خداوند براید ریافت زندگی ابدی ایمان نیاورده اید، شما امروز می توانید این کار را انجام دهید. اگر شما می خواهید که به عیسی ایمان بیاورید، آیا دریت حالا با سر پا ایستادن به من نشان دهید که می خواهید به عیسی ایمان بیاورید، مرا (در مکان و زما تعیین شده ای) ملاقات کنید تا بتوانم به شما از کلام خدا نشان دهم که چطور می توانید زندگی ابدی داشته باشید.



با استفاده از این روش یا روش دیگری که موثر یافته اید از بچه ها دعوت کنید تا عیسی خداوند را بپذیرند. برای آموزش های بیشتر به مبحث " چگونه می توان یک بچه را به سوی مسیح هدایت کرد " مراجعه کنید.

بازی مروری

هر یک حروف " تادیب " را روی برگه هایی از کاغذ بنویسید. کلمه ی " تاسف " را نیز روی دو برگه بنویسید و تمام برگه ها را درون پاکتی قرار دهید و وقتی که بچه

سوالات مروری

- ۱- چرا زمان عجیبی بود که بلشصر مهمانی داشته باشد؟
سربازان دشمن به شهر حمله کرده بودند
- ۲- چه چیز باعث شد که پادشاه در شهر بابل احساس امنیت کند؟

ای به سوالی به درستی پاسخ می گوید می تواند برگه ای را بیرون بکشد اگر برگه یکی از حروف کلمه بود آن را بر روی تخته نصب می کنید و کلاس ۱۰۰۰ امتیاز کسب می کند و کلمه ی " تاسف " را بیرون کشیده شود هیچ امتیازی داده نمی شود بلکه برگه ی مربوطه را بر روی تخته نصب می کنید. بازی را ادامه دهید تا کلمه ی مربوطه بر روی تخته نصب شود و تمامی سوالات پرسیده شود

- دیوارهای بلند و کلفت، غذا و آب زیاد
- ۳- چه کارهای گناه آلودی پادشاه به ظروف هیکل خدا انجام داد؟
او و مهمانان اش از ظروف برای ستایش بت هایشان استفاده کردند
- ۴- چرا فکر می کنید که نمی توان گناه را از خدا پنهان کرد؟
خدا همه چیز را می داند
- ۵- وقتی که پادشاه و مهمانان اش از ظروف هیکل می نوشیدند چه اتفاقی افتاد؟

- دستی ظاهر شد و پیغامی را روی دیوار نوشت
- ۶- چند روش را نام ببرید که ممکن است خدا استفاده کند تا شما را که فرزند او هستید و انتخاب می کنید که گناه کنید تادیب کند؟
او ممکن است که اجازه دهد مشکلات وارد زندگی شما شوند یا اجازه دهد که شما احساس تقصیر یا اندوه نمایید
- ۷- پادشاه به کسی که می توانست مفهوم نوشته روی دیوار را بگوید چه چیزی پیشنهاد کرد؟
یک لباس سلطنتی، یک زنجیر طلایی و سومین مقام در پادشاهی
- ۸- چرا مردان حکیم پادشاه نمی توانستند مفهوم نوشته روی دیوار را بگویند؟

- آنها خدای حقیقی را نمی شناختند و خدای حقیقی کسی بود که نوشته روی دیوار را فرستاده بود
- ۹- چطور شما می توانید از گناهانتان بخشیده شوید و روزی با خدا در آسمان زندگی ابدی داشته باشید؟
با انتخاب ایمان آوردن به اینکه عیسی برای گناه شما مرد و پذیرفتن او به عنوان نجات دهنده تان
- ۱۰- چطور دانیال به بلشصر پادشاه یادآوری کرد که خدا زنده متصدی همه چیز است؟

- با دوباره گفتن اینکه از تادیب چطور نبوکد نصر پادشاه عقل خود را از دست داد و مجبور شد که مثل یک حیوان زندگی کند
- ۱۱- شما برای این که از تادیب خدا در زندگی تان دوری کنید چه می توانید انجام دهید؟

- دوری کردن از چیزهایی که می دانید گناه است، خواندن کتاب مقدس تا بدانید که خدا می خواهد شما چه کار انجام دهید، وقتی گناه می کنید آن را اعتراف کنید
- ۱۲- دانیال به بلشصر پادشاه گفت که نوشته روی دیوار به چه مفهوم است؟

او آنچه را که خدا از او می خواست انجام دهد انجام نداده بود، پس پادشاهی او می بایس به دشمنان اش داده می شد

چشم انداز درس

متن کتاب مقدس	دانیال ۶
آیه حفظی	اول قرن‌تیان ۱۵: ۵۸ " پایدار و بی تشویش شده، پیوسته در عمل خداوند
هدف تعلیم	" بیفزایید، چون می دانید که زحمت شما در خداوند باطل نیست بچه نجات یافته حتی وقتی که باید تنها بایستد، انتخاب خواهد کرد که برای
خدا پایدار و وفادار بماند.	خدا به شما کمک خواهد کرد که به او پایدار و وفادار بمانید
تعلیم اصلی	عیسی خداوند را بخوانید تا شما را نجات دهد
تاکید برای نجات نیافتگان	تصاویر ۶ - ۱ - ۶
تصاویر کمکی	


خطوط اصلی درس

۱ - مقدمه


آیا تا به حال وسوسه شده اید تا انجام کار صحیحی را متوقف کنید؟ یک روز دانیال با بزرگترین آزمایش خود روبرو شد. آیا او همچنان به خدا پایدار و وفادار باقی می ماند؟

۲ - پیشرفت وقایع

(الف - داریوش پادشاه مقام بالایی به دانیال داد زیرا که روح عالی در دانیال بود. (۶ : ۱ - ۳)
ب - دیگر رهبران دانیال را دقیقاً زیر نظر گرفتند، با این امید که او را در حین اشتباهی بیابند، در عوض (آنها فهمیدند که او در کار و پرستش خدا وفادار بود. (۶ : ۴)

پ  حالی که رهبران خسته و ناامید شده بودند، آنها توطئه کردند که از وفاداری دانیال بر علیه (او استقاده کنند. (۶ : ۵ - ۶)

ت - رهبران نقشه کشیدند و با چاپلوسی پادشاه را فریب دادند تا قانونی را امضا کند که می گفت همه می باید (تنها به نزد پادشاه دعا کنند. (۶ : ۷ - ۹)

و  نیال انتخاب کرد که به رغم قانون جدید به پرستش روزانه خویش ادامه دهد. (۶ : ۱۰)

ج - دشمنان دانیال او را در مقابل داریوش پادشاه متهم کردند. (۶ : ۱۱ - ۱۳)

چ - پادشاه غم زده تقلا کرد که دانیال را ببخشد ولی موفق نشد. (۶ : ۱۴ - ۱۵)

ح - داریوش با نامیلی دستور داد که دانیال به درون قفس شیرها انداخته شود، اما دانیال را تشویق کرد که به (خدای خود اعتماد کند. (۶ : ۱۶ - ۱۷)

ز  بون دانیال با شیرها روبرو بود، داریوش غمگین نمی توانست بخوابد. (۶ : ۱۸ - ۱۹)

۳ - نقطه اوج داستان

(خدا با حفاظت دانیال از خطر شیرها وفاداری دانیال را حرمت نهاد! (۶ : ۲۰ - ۲۲)

۴ - نتیجه

(الف - دانیال درحالی که هیچ صدمه ای ندیده بود، از قفس بیرون آورده شد. (۶ : ۲۳)

- (ب - متهم کنندگان دانیال به مرگ محکوم شدند. (۶ : ۲۴)
(پ - پادشاه دستور داد که همگی خدا را ستایش کنند. (۶ : ۲۵ - ۲۷)
ت - دانیال به خاطر وفاداری اش پادشاه دریافت کرد، او همچنان رهبر بزرگان باقی ماند و به انجام وظیفه
(اش به بهترین نحو ادامه داد. (۶ : ۲۸)

 بچه نجات یافته

(انتخاب کنید که نسبت به خدا پایدار و وفادار بمانید. (اول قرن نهم : ۱۵ : ۵۸)

(بچه نجات نیافته )

(عیسی خداوند را بخوانید تا شما را نجات دهد. (رومیان ۱۰ : ۱۳)

آیه حفظی

اول قرنیتان ۱۵: ۵۸ "..... پایدار و بی تشویش شده، پیوسته در عمل خداوند
"بیفزایید، چون می دانید که زحمت شما در خداوند باطل نیست"

مقدمه

وقتی که شما بزرگ تر شدید چه نوع کاری دوست دارید که انجام دهید؟ (اجازه دهید تعداد کمی از بچه ها در این مورد صحبت کنند.) مهم نیست که شما چه نوع کاری برای زندگی کردن انجام می دهید، یک نوع کار دیگری وجود دارد که خدا برای شما دارد. آیه کتاب مقدسی ما امروز به ما درباره کاری می گوید که خدا برای ما دارد.

معرفی

کتاب مقدس تان را نشان دهید با این توضیح که آن کلام خدا است. آیه را از روی کتاب مقدس تان بخوانید و توضیح دهید که چطور آن را پیدا کرده اید. (اجازه دهید که بچه ها آیه را با شما از روی آیه نمایشی بخوانند)

توضیح

پایدار و بی تشویش شده- در آنچه که شما بدان ایمان دارید و آنچه که می دانید باید انجام دهید پایدار باشید. به کسی یا چیزی اجازه ندهید که باعث شود فکرتان را عوض کنید. پیوسته در عمل خداوند بیفزایید- در تمامی آنچه که خدا می خواهد شما انجام دهید امین باشید و به انجام آن ادامه دهید. چون می دانید که زحمت شما در خداوند باطل نیست- هر آنچه که شما برای خدا انجام می دهید مهم است. چیزی وجود ندارد که شما برای او انجام می دهید و آن اهمیت نداشته باشد.

کاربرد

نجات یافتگان: ثابت قدم ماندن همیشه آسان نیست، اما اگر شما نجات یافته اید، خدا به شما قدرت می دهد تا به او امین و ثابت قدم بمانید حتی وقتی که دیگران در اطراف شما امین و ثابت قدم نیستند. او کاری را که شما برای او انجام می دهید می بیند و از آن استفاده می کند.

نجات نیافتگان: شما تا وقتی که پسر خدا، عیسی را برای نجات دادن شما از گناهتان نپذیرید نمی توانید به خدا امین و ثابت قدم باشید. آیا تا به حال این کار را انجام داده اید؟ اگر نه، شما می توانید عیسی خداوند را بپذیرید تا شما را امروز نجات دهد. به ادامه درس در کلاس با دقت گوش کنید.

تکرار: ذرت بو داده

اجازه دهید بچه ها بایستند، یک صندلی در جلوی آنها قرار دهید. با گفتن مرجع آیه شروع کنید و قسمتی از آیه را بگویید بعد متوقف شوید و روی صندلی بنشینید. آنوقت بچه ها ظاهر می شوند و ادامه می دهند تا وقتی که شما ظاهر شوید و از جایی که آنها متوقف شدند و نشستند ادامه می دهید.

وقتی که شما متوقف می شوید و می نشینید، آنها دوباره ظاهر می شوند و آیه را ادامه می دهند. به تکرار کردن آیه ادامه دهید، همیشه در آغاز و پایان (مرجع آن را بگویید)

درس مقدمه

آیا تا به حال وسوسه شده اید تا انجام کاری را که درست است متوقف کنید؟ کارهایی مانند اطاعت از والدین تان، راستگو بودن، یا مهربان بودن با کسی که با شما متفاوت است. خدا می خواهد که شما همیشه در انجام کار درست امین باشید. حتی وقتی که انجام کار درست باعث می شود شما در موقعیت مشکلی قرار گیرید. دانیال در طول تمام زندگی اش در خداوند قوی بود. او وفادارانه خداوند را خدمت کرد و آنچه که درست بود را حتی در زمانهای سخت انجام داد. اما روزی دانیال با بزرگ ترین آزمایش خود روبرو شد. آیه او همچنان به خدا امین و ثابت قدم می ماند؟

پیشرفت وقایع

بلشصر پادشاه کشته شده بود و پادشاهی او ناگهان در اختیار مادیان و فارسیان قرار گرفت. حالا داریوش پادشاه جدید بود. تصویر ۱-۶ از کتاب تصاویر

به خاطر وسعت امپراطوری جدید داریوش، او ۱۲۰ مرد را که حاکمان نامیده می شدند انتخاب کرد تا مشاوران او باشند. آنگاه پادشاه سه مرد را انتخاب کرد تا رهبران آن ۱۲۰ حاکم باشند. دانیال به عنوان یکی از رهبران انتخاب شد! بیش از شصت سال از زمانی که دانیال و دوستان اش به اسارت بابلی ها درآمده بودند می گذشت. حالا دانیال مرد پیری بود که در تمامی این سال ها به خداوند وفادار مانده بود. داریوش پادشاه متوجه وفاداری دانیال شد و فهمید که او چقدر با دیگران متفاوت است. چون دانیال حکیم بود و برای انجام کار درست می توانست مورد اطمینان قرار گیرد، داریوش خواست که او را مسئول تمام رهبران و حاکمان گرداند! وقتی که رهبران و حاکمان در این باره شنیدند عصبانی شدند.

منظور پادشاه چیست، او می خواهد دانیال را مسئول ما سازد؟ آنها ممکن است که به هم گفته باشند. "او یک یهودی است، یکی از اسرا او چه حقی دارد تا مقامی مهم تر از آنچه ما داریم داشته باشد؟" کتاب مقدس می گوید که آنها سعی کردند تا اشکالی در دانیال پیدا کنند و نقشه ریختند تا چطور بتوانند از دست دانیال خلاص شوند. اما وقتی که آنها دانیال را با دقت مورد نظر قرار دادند، نتوانستند که چیز اشتباهی از او پیدا کنند. او کامل نبود، ولی او سعی می کرد که صادق باشد و همیشه کار درست را انجام دهد.

از آنجا که آنها نتوانستند دانیال را در حال انجام عمل اشتباهی یا ناراست بودن گیر ببانند، این مردان شروع کردند به فکر کردن درباره این که دانیال چطور خدای خویش را خدمت می کند، تا بفهمند آیا آنها می توانستند از آن بر علیه او استفاده کنند. بعد از برنامه ریزی های زیاد، آنها طرحی

احتمالا" دانیال در این زمان بیش از ۰۸ سال سن داشت احتمالا" او در دوران نوجوانی به اسارت رفته بود

اجازه دهید بچه ها ی پیش دبستانی چهره های عصبانی به خود بگیرند

شما می توانید این گفتگو ها را بر روی چند کارت بنویسید و اجازه دهید بچه ها صحبت های رهبران را بخوانند

توضیح نهدید که دانیال عالی (بدون نقص) نبود بلکه سعی کرد که در همه چیز صادق و درزستکار باشد. رهبران فهمیده بودند که تنها راه متهم کردن دانیال این بود که او را در موقعیتی قرار دهند که می باید انتخاب می کرد که انسان یا خدا را اطاعت می کرد.

در موقع صحبت از " تفکر کردن" به سرتان اشاره کنید

ریختند تا از دست دانیال خلاص شوند و مشتاق بودند تا نقشه شان را به نزد پادشاه ببرند. تعصب و حسادت که رهبران نسبت به دانیال داشتند گناه بود



از آنجا که این درس بر رشد مسیحی متمرکز است، پیغام انجیل خلاصه شده است. شما می توانید در زمان دیگری از ساعت کلاس بر معرفی انجیل تاکید کنید.

آیا تا به حال با حسود بودن یا متعصب بودن گناه کرده اید؟ گناه هر آنچه است که شما با گفتن یا فکر کردن یا انجام آن شریعت خدا را می شکنید. کتاب مقدس می گوید

کتاب همه چیز را زیر گناه بست" (غلاطیان ۳: ۲۲). خدا می گوید که " هر فرد، گناهکار به دنیا آمده است که این شامل شما نیز می شود. وقتی که شما حسود هستید به خاطر این که کسی چیزی دارد که شما ندارید یا وقتی که شما از کسی متنفر هستید و کلمات نامهربانانه به او می گویند، شما گناه می کنید. هر چند که شما گناهکارید، خدا شما را دوست دارد. چرا خدا ما را دوست دارد؟ چون او شما را آفریده است و همه چیز را درباره شما می داند. او می داند که شما با این آگاهی به دنیا آمدید که چطور گناه کنید خدا کامل (بدون گناه) است، او نمی تواند اجازه دهد که گناه نزدیک او باشد.

از آنجا که خدا نمی خواهد شما برای همیشه از او جدا شوید، او راهی ساخت تا گناه شما بخشیده شود. عیسی، پسر بدون گناه خدا، آسمان را ترک کرد و به روی زمین آمد تا مجازات گناه شما را بردارد. او به یک صلیب میخکوب شد، خون او بر روی صلیب ریخت و او برای شما مرد. او می دانست که آن تنها راهی است که شما می توانستید بخشیده شوید کتاب مقدس می گوید که شما به خون مسیح نزدیک شده اید" (به نزد خدا آورده شده اید) افسسیان ۲: ۱۳

خون عیسی تنها پرداخت برای گناه شما است که می تواند باعث شود خدا شما را بپذیرد. عیسی در قبر دفن شد، آنوقت بعد از سه روز او از مردگان برخاست و زنده شد! به خاطر آنچه که او روی صلیب انجام داد، شما می توانید او را بخوانید تا شما را از گناهانی مانند تعصب و حسادت نجات دهد و آزاد سازد.

حسادت و تعصبی که رهبران نسبت به دانیال داشتند گناه بود. آنها درباره نقشه ای اندیشیده بودند تا از دست دانیال خلاص شوند و مشتاق بودند که نقشه شان را نزد پادشاه ببرند. اما آنها می بایست در مورد حرف هایشان مواظب بودند تا پادشاه دلیل واقعی نقشه شان را نفهمد.

تصویر ۲- ۶ از کتاب تصاویر

زنده باد تا ابد داریوش پادشاه وقتی که رهبران به حضور پادشاه رسیدند " گفتند. " همه مقامات عالی قبول کرده اند که شما باید یک قانون جدید درست کنید. برای ۳۰ روز هیچ کس نباید به نزد کسی، خدایی یا انسانی، مگر به نزد شما، پادشاه دعا کند. و اگر کسی این کار را بکند باید به درون قفس شیرها انداخته شود! این قانون را بنویسید و امضا کنید، تا بر طبق قانون "مادیان و فارسیان غیر قابل تغییر شود

پادشاه مغرور باید از پیشنهاد آنها خشنود شده بود. با او می بایست مانند یک خدا رفتار می شد! بدون تفکر بیشتری، داریوش دستور داد که قانون را بنویسند و او آنرا امضا کرد

از بچه ها بپرسید اگر به جای دانیال بودند چه می کردند بچه ها نیاز دارند که افکارشان را به زبان بیاورند

سه انگشت خود را بالا بگیرید، بچه های پیش دبستانی می توانند به همراه شما بشمارند

دانیال به زودی از قانون جدید مطلع شد، قانونی که هرگز نمی توانست تغییر یابد. اما او باید چه می کرد؟ او مرتباً روزی سه بار به نزد خدا دعا می کرد! آیا او می بایست دیگر دعا نمی کرد یا اینکه در و پنجره هایش را می بست و مخفیانه دعا می کرد؟ یا اینکه او می بایست از قانون سرپیچی می کرد تا به خدا وفادار می ماند؟ دانیال می دانست که چه باید بکند. کتاب مقدس می گوید: که او به درون خانه اش رفت، در حالی که پنجره ها به سوی اورشلیم باز بود، او زانو می زد و روزی سه بار دعا می کرد و از خدای خویش تشکر می کرد همانطوری که قبلاً این کار را انجام می داد

تصویر ۳-۶ از کتاب تصاویر

دانیال در خداوند قوی بود. او انتخاب کرد تا به پرستش روزانه اش به رغم قانون ادامه دهد. حتی اگر می توانست به قیمت جان او مام شود، او می بایست به خدا وفادار بماند

گر شما عیسی خداوند را به عنوان نجات دهنده خود می شناسید، خدا به شما کمک می کند تا به او ثابت قدم و وفادار باشید، حتی اگر هیچ کس دیگری ثابت قدم نباشد. ثابت قدم و امین بودن به این معنا است که شما در قلب و فکرتان مصمم باشید تا خدا را خشنود کنید و مرتباً این کار را انجام دهید. ممکن است که در سالن نهارخوری دیگران قبل از غذا خوردن دعانکنند. خدا می تواند به شما کمک کند تا ثابت قدم و امین باشید. تصمیم بگیرید که دعا کنید آنوقت همیشه این کار را انجام دهید. در کلاس درس ممکن است دیگران به کتاب مقدس ایمان نداشته باشند، اما خدا می تواند به شما کمک کند که بگویید به چه چیزی ایمان دارید. او می تواند به شما کمک کند که شروع به صحبت نمایید و آنرا انجام دهید. در خانه ممکن است که دیگران صبح یکشنبه بیدار نشوند و به کلیسا نروند خدا می تواند کمک کند که شما چه کار کنید/ ثابت قدم و وفادار باشید. تصمیم بگیرید که بیدار شوید و بروید آنوقت هر یکشنبه آن را انجام دهید. بعضی وقت ها که شما ثابت قدم و وفادار به خدا هستید، ممکن است که دیگران شما را درک نکنند یا حتی با شما مخالفت کنند. به یاد بیاورید که آیه حفظی

(ما چه می گوید؟) (اول قرن نهم تا ۱۵: ۵۸ را با هم تکرار کنید

اجازه ندهید که فشار دیگران شما را از انجام آنچه که درست است باز دارد. خدا به شما کمک می کند تا امین باشید



کارت تعلیم

کارت تعلیم با تاکید تعلیم برای بچه ی نجات یافته را نشان دهید: خدا به شما کمک می کند تا وفادار و بی تشویش باقی بمانید

درباره ی موقعیت های بسیار کاربردی بحث کنید که بچه های نجات یافته نیاز دارند. به خدا وفادار باقی بمانند

-۷

دانیال به خدا وفادار می ماند، هر چند اگر به قیمت جان اش تمام می شد. او تصمیم گرفت که به رغم قانون به پرستش روزانه خود ادامه دهد. همانطور که آنها آرزو داشتند، رهبران و حاکمان دانیال را در حال شکستن قانون با دعا کردن به نزد خدا یافتند! آنها با عجله به نزد داریوش پادشاه رفتند! تصویر ۲-۶ از کتاب تصاویر

پادشاه، آیا شما قانونی نساختید، " آنها مشتاقانه پرسیدند، " که این قانون می گوید اگر کسی به نزد خدایی یا انسانی غیر از شما برای ۳۰ روز دعا کند، او باید به درون قفس شیرها انداخته شود. " این درست است" پادشاه پاسخ داد. " آن امضا شده است و غیر قابل تغییر است. " مردان می بایست سعی می کردند تا در ادامه شادی شان را پنهان کنند، " پادشاه، دانیال که یک

اسیر از یهودا است هیچ توجهی به شما یا قانون تان نمی کند. او قبول نمی کند که به نزد شما دعا کند و همچنان روزی سه بار به نزد خدای خویش دعا می کند! این کلمات داریوش پادشاه را غمگین کرد. چرا من اینقدر بی فکر بودم؟ او احتمالاً از خود پرسید. چرال من آن قانون را امضا کردم؟ حتی حالا نیز نمی توانم آن را تغییر دهم. برای نجات دادن دانیال چه می توانم بکنم؟ تمام روز او درباره راهی فکر می کرد تا دانیال را نجات دهد، اما وقتی که عصر شد دیگر دیر بود. قانون می بایست تا غروب آفتاب اجرا می شد. راهی برای فراری دادن دوست اش وجود نداشت. رهبران دور پادشاه جمع شدند. "پادشاهها به یاد بیاورید" آنها گفتند، "این قانون مادیان و فارسیان اسن که نمی تواند تغییر یابد." آنها می دانستند که پادشاه راه دیگری ندارد. وقتی داریوش پادشاه دستور می داد که دانیال را به درون قفس شیرها بیندازند بسیار غمگین بود.

تصویر ۴-۶ از کتاب تصاویر

قفسی که شیرها در آن زندگی می کردند احتمالاً تاریک و نمناک بود. ممکن است که دانیال صدای آهسته خرناس شیرها را وقتی که آنها در اطراف قفس پرسه می زدند، می شنید. آیا دانیال می توانست چشمان نافذ آنها یا دندان های تیزشان را وقتی که به او نگاه می کردند ببیند؟ وقتی که دانیال با احتیاط به شیرها نگاه می کرد، پادشاه کلماتی را فریاد زد که می بایست دانیال را تشویق می کرد: "خدای تو، کسی که او را مداوماً خدمت می کنی، تو را نجات خواهد داد." آیا خدای دانیال واقعاً او را نجات می داد؟ سال ها پیش خدا سه دوست دانیال را از شعله های سوزاننده نجات داد. ممکن است دانیال به آن موضوع فکر می کرد وقتی که او به خدا اعتماد کرد. یک سنگ عظیم جلو در غار (قفس) قرار داده شد، چراغ خاموش شد و مهر پادشاه بر روی !سنگ قرار داده شد. حالا دیگر راهی برای خروج وجود نداشت.

پادشاه اندوهناک به خانه رفت. او نپذیرفت که غذا بخورد. موسیقی دانها که اغلب او را سرگرم می کردند از حضور اش مرخص شدند. در طول شب احتمالاً پادشاه می بایست از خود می پرسید که آیا دانیال زنده است یا مرده؟ آیا خدای او واقعاً از او حفاظت خواهد کرد؟ وقتی که دانیال با شیرهای درنده روبرو شد، داریوش پادشاه نمی توانست بخوابد. او می دانست که نمی تواند به دانیال کمک کند. تنها خدا می توانست حالا به دانیال کمک کند تا او ثابت !قدم و وفادار بماند.

اگر شما عیسی خداوند را به عنوان نجاتدهنده خود می شناسید، خدا به شما کمک خواهد کرد تا به او امین و ثابت قدم بمانید. وقتی که شما امین و ثابت قدم هستید و در موقع نهار دعا می کنید، بعضی ها ممکن است که شما را مسخره کنند، اما دیگران ممکن است که دقت کنند و شروع کنند به فکر کردن درباره خوبی خدا نسبت به خودشان. وقتی که شما ثابت قدم و وفادار در صحبت کردن درباره ایمانتان به خدا در کلاس هستید، بعضی ها ممکن است که با شما بحث کنند، اما ممکن است کسی به آنچه که شما می گوئید گوش کند و روش فکری خود را نسبت به خدا عوض کند.

بچه های پیش دبستانی از تقلید صدای شیر غران لذت می برند.

به احتمال زیاد قفس شیرها یک غار یا یک صخره بود. سنگ بزرگی در دهانه ی غار قرار می گرفت و زنجیری آن را در جایش نگه می داشت. و خشت نرم بر روی زنجیر می گذاشتند و پادشاه خشت را با انگشترش مهر می کرد تا قفس مهر گردد. مهر تا زمان تعیین شده نمی باید شکسته می شد.



کارت تعلیم

کارت با تاکید تعلیم برای بچه ی نجات یافته را نشان دهید. به بچه ها کمک کنید تا درک کنند هر چند اگر حالا به خاطر وفاداریشان بر روی زمین پاداش نمی گیرند، اما روزی در آسمان پاداش خواهند یافت.

وقتی که شما نسبت به رفتن به کلیسا هر یکشنبه وفادار و ثابت قدم هستید، کسی در خانواده تان ممکن است که بگوید شما احمق هستید، اما روزی ممکن است کسی تصمیم بگیرد که با شما بیاید و درباره خدا یاد بگیرد. حتی اگر هیچ وقت کسی با محبت به شما پاسخ ندهد خدا به شما کمک خواهد کرد تا به او وفادار و ثابت قدم باشید. روزی او به شما پاداش خواهد داد! کتاب مقدس می گوید: "لکن تا به مرگ امین باش تا تاج حیات را به تو دهم" مکاشفه ۲: ۱۰

وقتی که وسوسه مس شوید تا تسلیم شوید، آیه حفظی ما را به یاد آورید. (اول قرنیتان ۱۵: ۵۸ را تکرار کنید) آیه را بلند یا برای خودتان بگویید. دعا کنید و از خدا بخواهید تا به شما جرات و قوت دهد. خدا می تواند به شما کمک کند تا به او ثابت قدم و امین باشید.

تنها خدا می توانست به دانیال کمک کند تا وقتی که با شیرهای درنده روبرو شد ثابت قدم و وفادار باشد. داریوش با این آگاهی که هیچ کاری برای کمک به دانیال نمی تواند بکند نمی توانست بخوابد.

تصویر ۵-۶ از کتاب تصاویر

در نور روز پادشاه با عجله به سوی قفس شیرها رفت. او احتمالاً کنجکاوانه، برای شنیدن صدای شیرهای غران گوش می داد و از خود می پرسید آیا دانیال زنده است. او با صدای نگرانی فریاد کرد، "دانیال، خادم خدای زنده، آیا خدای تو، خدایی که تو او را دائماً خدمت می کنی، قادر بوده که تو را از شیرها نجات دهد؟" داریوش پادشاه منتظر ماند... و گوش کرد. آنوقت صدایی از درون قفس شیرها بیرون آمد! "زنده باد پادشاه برای همیشه! خدای من خرشته اش را فرستاد و دهان شیرها را بست تا آنها به من آسیبی نرسانند... خدا می داند که من هیچ کاری بر علیه تو انجام نداده ام پس او مرا از دست شیرها نجات داد"، دانیال فریاد کرد.

با ایجاد تردید در صدایتان توجه بچه ها را جلب کنید. پیش از گفتن جواب دانیال مکث کنید.

نقطه اوج داستان

خدا وفاداری دانیال را با حفاظت او از شیرها حرمت نهاد.

نتیجه

پادشاه می بایست بسیار آسوده شده بود! او با خوشحالی دستور داد تا دانیال را از قفس شیرها بالا بیاورند! حتی یک خراش نیز روی بدن دانیال پیدا نند! او وفادار باقی ماند و به خدایش اعتماد کرد، و خدا او را نجات داد. تصویر ۶-۶ از کتاب تصاویر

آنوقت پادشاه دستور داد که آنانی که دانیال را محکوم کرده بودند به خاطر نقشه بدشان کشته شوند. داریوش پادشاه گفت: "حالا من قانونی می سازم که در هر جای پادشاهی من مردم باید به خدای دانیال احترام بگذارند. او خدای زنده است. پادشاهی او هرگز تمام نمی شود. او معجزات می کند. او دانیال را از قدرت شیرها نجات داد."

به خاطر وفاداری دانیال، داریوش پادشاه به او پاداش داد و او را رهبر

پادشاهی کرد. دانیال به قوی بودن در خداوند ادامه داد. او نهایت تلاش اش را کرد و به خدا وفادار و امین باقی ماند.

تقلا



کارت تعلیم

کارت با تاکید تعلیم برای بچه ی نجات یافته را نشان دهید

کارت های ببر خانه که حاوی تاکید تعلیم برای بچه ی نجات یافته می باشد را تهیه کنید

ممکن است که سخت باشد تا همیشه وفادار بود- مخصوصاً وقتی که دیگران وفادار نیستند. (مثال هایی را که قبلاً داده ای مرور کنید.) اگر شما فرزند خدا هستید آیه شما تصمیم می گیرید که ثابت قدم و وفادار به خدا بمانید؟ این هفته وقتی که وسوسه شدید تا به خدا خیانت کنید، اول قرننیا ۱۵: ۵۸ را به یاد بیاورید (با هم تکرار کنید) آیه را بلند یا برای خودتان بگویید، آنوقت از خدا بخواهید تا به شما جرات دهد تا به او ثابت قدم و امین بمانید. شاید شما درباره موقعیتی فکر می کنید که وفادار ماندن به خدا در آن موقعیت سخت است. وقتی که ما با هن دعا می کنیم، درباره آن موقعیت با خدا صحبت کنید، از او بخواهید که به شکل مخصوصی به شما کمک کند تا در این هفته در خداوند قوی باشید. (برای بچه ها دعا کنید) در این کاغذ که من به شما می دهم، موقعیتی را بنویسید که برای وفادار ماندن مشکل دارید. در این هفته دعا کنید تا خدا به شما کمک کند. وقتی که با این موقعیت روبرو می شوید وفادار بمانید.

دعوت



با استفاده از این روش یا روش دیگری که موثر یافته اید از بچه ها دعوت کنید تا عیسی خداوند را بپذیرند. برای آموزش های بیشتر به مبحث "چگونه می توان یک نفر را به سوی مسیح هدایت کرد" مراجعه کنید

قبل از این که شما بتوانید به خدا وفادار بمانید، شما باید عیسی خداوند را به عنوان نجات دهنده خویش بپذیرید. شما باید با خدا موافقت کنید که گناهکارید و مستحق مجازات هستید. آنوقت باید به عیسی خداوند به عنوان تنها کسی که می تواند شما را ببخشد ایمان بیاورید. عیسی برای شما مرد و دوباره زنده شد تا ممکن شود شما از مجازات گناهتان نجات یابید. کتاب "مقدس می گوید: " زیرا هر که نام خداوند را بخواند نجات خواهد یافت (رومیان ۱۰: ۱۳) خواندن خداوند به این معناست که به او بگویید که (ایمان دارید عیسی بر روی صلیب مرد تا مجازات شما را بر خودش بردارد. وقتی که شما او را می خوانید او وعده می دهد که شما از جدا شدن از او برای همیشه نجات می یابید. شما می توانید بدانید که روزی با او در آسمان تا ابد زندگی خواهید کرد. آیا شما خداوند را خواهید خواند و امروز نجات خواهید یافت؟ لطفاً سرتان را خم کنید و چشم هایتان را ببندید. اگر شما می خواهید که برای نجات یافتن خداوند را بخوانید، با نگاه کردن به من، به من نشان دهید. (متوجه جواب ها شوید.) همه شما می توانید چشم هایتان را باز کنید. اگر شما به بالا نگاه کردید تا به من نشان دهید که می خواهید نجات یابید، مرا در (مکان و زمانی مشخص) ملاقات کنید و من به شما از روی کلام خدا نشان خواهم داد که چطور می توانید نجات یابید

سوالات مروری

- ۱- چرا داریوش پادشاه تصمیم گرفت که دانیال را به عنوان مسئول تمامی دیگر رهبران قرار دهد؟
او می دانست که دانیال امین، حکیم و قابل اعتماد بود
- ۲- چرا رهبران پادشاهی می خواستند کار اشتباهی از دانیال پیدا کنند؟
آنها به او حسودی می کردند
- ۳- چرا گناه ما، ما را از خدا و آسمان دور نگه می دارد؟
خدا بدون گناه و مقدس است، او نمی تواند اجازه دهد گناه در نزد او باشد
- ۴- چه قانون جدیدی را مقامات خواستند تا پادشاه درست کند؟
برای ۳۰ روز هیچ کس نمی توانست به نزد کسی جز پادشاه دعا کند، و اگر آنها این کار را می کردند به درون قفس شیرها انداخته می شدند
- ۵- به رغم قانون جدید دانیال به انجام دادن روزانه چه کاری ادامه داد؟
او هر روز سه بار به نزد خدای حقیقی دعا می کرد
- ۶- یک راهی که شما می توانید با وفادار بودن خدا را خشنود کنید چیست؟
ممکن است که جواب ها متفاوت باشند- دعای پیش از غذا- صحبت کردن با دیگران درباره خدا و غیره
- ۷- چرا پادشاه از فهمیدن این که دانیال قانون جدید را شکسته است غمگین شد؟
دانیال دوست او بود و او نمی خواست که او را در قفس شیرها ببیند
- ۸- وقتی که دانیال به درون قفس شیرها انداخته شد پادشاه به دانیال چه گفت؟
خدای تو، کسی که او را دائماً خدمت می کنی، او را نجات خواهد داد
- ۹- اگر شما عیسی را به عنوان نجات دهنده خود دارید، چه کسی به شما برای وفادار بودن به خدا در موقعیت های سخت کمک خواهد کرد؟
خدا به شما کمک خواهد کرد
- ۱۰- چرا پادشاه در روشنایی روز با عجله به سوی قفس شیرها رفت؟
او می خواست ببیند که آیا خدای دانیال او را نجات داده است
- ۱۱- دانیال به پادشاه گفت که برای او در قفس شیرها چه اتفاقی افتاد؟
خدا فرشته اش را فرستاد و دهان شیرها را بست
- ۱۲- پادشاه داریوش بعد از بیرون آوردن دانیال از قفس شیرها چه قانونی درست کرد؟
همه در پادشاهی باید به خدای دانیال احترام می گذاشتند